

تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۱

جمشید شریفیان^۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲

اباصلت کبیری^۲

علیرضا طحانمنش^۳

چکیده

ایران و ترکیه و سوریه سه کشور راهبردی در منطقه خاورمیانه هستند که تحولات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی در هر کدام موجب تأثیر و تأثر متقابل می‌گردد. سؤال اصلی مقاله چنین است: نقش بحران سوریه در بروز تعامل و تقابل میان ایران و ترکیه چیست؟ تهران و آنکارا در مورد بحران سوریه نظرات و اهداف و منافع متفاوتی دارند. ترکیه به دنبال همکاری با جبهه غربی ضد سوری (مشخصاً آمریکا، عربستان و قطر) برای حمایت از مخالفین نظام سوریه است و به پایگاهی برای تشکیل، تجهیز و حمایت مخالفان بشار اسد تبدیل شده است. در حالیکه ایران دخالت خارجی در سوریه را مردود شمرده و خواستار اصلاحات مردمی براساس راه حل سوری - سوری است. سقوط بشار اسد را خواسته‌ی غرب و اسرائیل می‌داند و معتقد است که به دلیل حمایت سوریه از جریان مقاومت در برابر اسرائیل، باید با برنامه آمریکا و عربستان در خاورمیانه و بویژه در مورد سوریه مخالفت کرد. در هر صورت کشورهای منطقه و در رأس آنها ایران و ترکیه باید برای حل معضل داخلی سوریه، تعامل داشته باشند؛ مقاله به فرضیه رسیده است که بحران سوریه براساس عوامل داخلی و خارجی، شرایط بروز تعامل کمتر و تقابل بیشتر در روابط ایران و ترکیه را با توجه به اهداف و منافع دو کشور فراهم کرده است. این مقاله بحران سوریه را با جغرافیای سیاسی جدید منطقه و نظریه مدل - اسکی مبتنی بر تبدیل درگیری‌های داخلی به درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی توسط شورشیان و کشورهای حامی آنها و تئوری بازیها با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای بررسی می‌نماید و با تشریح ریشه‌ها و روند بحران و موارد تعامل و تقابل ایران و ترکیه، در پایان به نتیجه‌گیری و ارائه راهکار، پرداخته است.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، سوریه، بحران، تعامل، تقابل، محور مقاومت

۱ - استادیار روابط بین الملل دانشکده فارابی jam_sharifian@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز kabiri62@yahoo.com

۳ - کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای خاورمیانه alirezatahanmanesh@yahoo.com

یکی از مهم‌ترین موارد تحولات اخیر منطقه خاورمیانه که پیوند عمیقی با ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران و همچنین روابط کشورمان با همسایگان دارد، بحران سوریه است. با شروع قیام‌های مردمی در کشورهای منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه عربی که از روزهای پایانی سال ۲۰۱۰ از کشور تونس و با فرار «بن علی» شروع شد، بقای حکام غرب‌گرای برخی از کشورهای عربی تهدید شد و در جریان این تحولات، حکومت دیکتاتورهای عرب همچون حسنی مبارک، معمر قذافی و عبدالله صالح در کشورهای مصر، لیبی و یمن به دست مردم ساقط شد. این خیزش‌ها در دیگر کشورهای منطقه همچون بحرین و عربستان همچنان ادامه دارد.

اما دامنه این انقلاب‌ها به واسطه پتانسیل تأثیرپذیری کشور سوریه در کنار سایر عوامل خارجی که توضیح داده خواهد شد، به این کشور نیز کشیده شده و بیش از ۱۷ ماه این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در جریان ناآرامی‌های به وجود آمده در سوریه که با حملات مخالفان مسلح و تقابل ارتش و نیروهای امنیتی حکومت بشار اسد همراه است، تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند (روزنامه اطلاعات، ۹۱/۴/۲۴).

بحران سوریه از ۶ بهمن ۱۳۸۹ (۲۶ ژانویه ۲۰۱۱) با چند نقاشی دیواری توسط چند جوان در شهر درعا در مرز اردن و جنوب سوریه آغاز شد. اعتراضات مردم درعا (که به صورت صنفی و خواستار حق و حقوق اولیه بودند) با برخورد امنیتی و خشن نیروهای پلیس مواجه شد. مردم با تشکیل یک هیئت پنجاه نفری و مراجعه به دمشق، اعتراض خود را به بشار اسد رساندند. با وجود تحقق وعده‌های بشار اسد در این خصوص، به علت نفوذ عناصر حزب منحل اخوان المسلمین در صفوف مردم، دامنه اعتراضات گسترده شد و به استان‌های دیگر همچون حمص، جسرالشغور و حماء نیز کشیده شد. شهر درعا در استان درعا، در ۱۰۰ کیلومتری دمشق و در مرز کشور اردن قرار دارد. موقعیت راهبردی این استان که در نقطه مقابل شهر زرقا (در شمال اردن) قرار گرفته است (شخص ابومصعب زرقاوی، رهبر نیروهای عمل‌کننده القاعده در عراق که بعدها کشته شد، از این شهر

برخاسته است) و از لحاظ پوشش و فرهنگ، متفاوت از غالب فرهنگی سوریه و بیشتر به اردن متمایل است، در طول سالیان گذشته به پایگاهی برای گروه‌های تکفیری و سلفی تبدیل شده است. عوامل متعددی در نفوذ این گروه‌های بنیادگرا به درعا دخیل است؛ از جمله: ۱- باز بودن مرز سوریه و اردن؛ ۲- اکثریت سنی مردم منطقه؛ ۳- حرکت نیروهای کار مردمی به کشور عربستان (هنگام بازگشت این نیروها به سوریه، تفکر تکفیری وهابی و بنیادگرایی را نیز با خود به همراه می‌آوردند) (مصاحبه با آقای آل بوغیش ۹۱/۴/۴).

تحولات در کشور سوریه به زعم جمهوری اسلامی ایران، فقط ماهیت داخلی ندارد و از سرچشمه‌های خارجی و با هدف تضعیف محور مقاومت علیه رژیم غاصب صهیونیستی ناشی می‌شود. از نظر بسیاری از تحلیل‌گران، از آنجا که به لحاظ سستی، سوریه، همواره یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه خاورمیانه در عرصه تحولات منطقه بوده است، ایجاد بحران در صورت و ظاهر مردمی، بهترین راه ایجاد مانع بر سر راه سیاست خارجی مستقل و ضدصهیونیستی این کشور است. از این رو، قدرت‌های مخالف عملکرد سوریه، بر آتش نارضایتی و اختلاف در سوریه دمیدند (همشهری دیپلماتیک، تیر ماه ۹۰).

عامل اصلی تعامل و تقابل ایران و ترکیه که موضوع اصلی این مقاله است، بحران سوریه است. با شروع تحولات در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، ترکیه همواره خواستار نقش موثر، مترقی و فعال در تحولات منطقه بوده است. نقشی که در حال حاضر این کشور را به یکی از بازیگران اصلی و منطقه‌ای در بحران سوریه تبدیل کرده است. اگرچه هنوز روابط ایران و ترکیه متأثر از بحران سوریه، وارد مرحله حساس نشده است و نمی‌توان گسست در روابط را شاهد بود؛ اما دیدگاه‌های متفاوت دو کشور در این خصوص، رفتارهای متفاوتی را رقم زده است. تعامل و تقابل سیاست‌های ایران و ترکیه در بحران سوریه، مسئله‌ای است که علاوه بر موضوع سوریه، به پیشینه روابط و سایر علل از جمله عوامل همگرایی و واگرایی روابط دوجانبه مربوط می‌شود. متغیرهای همگرایی در روابط دو کشور را می‌توان در مکمل بودن اقتصاد و سیاست ترکیه و ایران دانست. ترکیه در سایه ناسازگاری غرب با ایران، امتیازهای فراوانی به‌دست آورده است. از طرف دیگر، دو کشور همسایه نیاز به ثبات

یکدیگر برای صادرات و واردات دارند. مهم‌ترین متغیرهای واگرایانه بین دو کشور این است که ترکیه در اردوگاه سیاست‌های غرب عمل می‌کند و عضو ناتو است و با آمریکا روابط خوبی دارد؛ اما جمهوری اسلامی ایران مخالف سیاست‌های آمریکا و ناتو در منطقه است و سیاست مستقلی را دارد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۱/۱/۲۷).

بیان مسئله

عدم مداخله در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل، لازمه منطقی همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی در سیاست خارجی است. زیرا مداخله در مسائل و موضوعاتی که به یک کشور و ملت خاص اختصاص دارد، ممکن است موجب تنش، دشمنی، منازعه و در نهایت جنگ بین کشورها گردد؛ بنابراین یکی از اصول نظری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پرهیز از دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است. اصل ۱۵۴ قانون اساسی بیان می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران متعهد به «... خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر...» است. امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و ... بنا گردد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۹).

پرسش اساسی در زمینه اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، چگونگی سازگاری آن با اصول حمایت از مستضعفان و دفاع از مسلمانان جهان است. به عبارت دیگر، چگونه می‌توان توأمان از مستضعفان و مسلمانان کشورهای دیگر پشتیبانی کرد که متضمن مداخله در امور آنان نباشد. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو اصل را در کنار هم قرار داده است: «جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، دو کشور مهم منطقه خاورمیانه هستند. سیاست خارجی و روابط آنها نه تنها بر همدیگر، بلکه بر تمامی کشورهای منطقه و معادلات منطقه‌ای

تأثیرگذار است. روابط دو کشور ایران و ترکیه، به صورت قابل توجهی متأثر از عوامل بیرونی است؛ عواملی که باعث تعامل یا تقابل دو کشور می‌شود.

با شروع تحولات در خاورمیانه (انقلاب‌های عربی - بیداری اسلامی) در سال ۲۰۱۱ و پس از قیام مردم علیه معمر قذافی در لیبی، ترکیه همواره خواستار نقش موثر، مترقی و فعال در تحولات منطقه بوده است. نقشی که در حال حاضر، این کشور را به یکی از بازیگران اصلی و منطقه‌ای در تحولات و بحران سوریه تبدیل کرده است. هم‌زمان با اوج‌گیری درگیری‌ها در سوریه (از مارس ۲۰۱۱)، روابط این کشور با ایران نیز دارای نوسانات و افت و خیزهای بوده است. قبل از این بحران، روابط و تعاملات دو کشور به ویژه با روی کار آمدن اسلامگرایان در ترکیه، به سطوح عالی رسیده بود. مواضع ضدصهیونیستی نخست وزیر رجب طیب اردوغان، میانجی‌گری ترکیه در مسئله هسته‌ای ایران و روابط روبه‌رشد تجاری و اقتصادی، از مصادیق این تعاملات، علایق و نزدیکی دو کشور بوده است.

ترکیه به دنبال افزایش وزن و نقش خود در خاورمیانه به ویژه به عنوان رابطی بین کشورهای غربی و جهان اسلام است. ترکیه سعی دارد تا در مسائل مربوط به فلسطین، از حماس حمایت کند و در عین حال رابطه خود را با رژیم غاصب صهیونیستی نیز حفظ کند تا بتواند در برنامه‌های آمریکا در خصوص مذاکرات رژیم غاصب صهیونیستی با فلسطینی‌ها نقش موثری داشته باشد. از سوی دیگر، ساختار حکومتی ترکیه به عنوان الگویی در جهان عرب مورد توجه آمریکاست که می‌تواند نقش الگو بودن جمهوری اسلامی ایران را کاهش دهد؛ بنابراین از دید غرب، توسعه نفوذ ترکیه به مفهوم کاهش نفوذ ایران در جهان اسلام به‌ویژه در قیام‌ها علیه دیکتاتوری در کشورهای عربی خواهد بود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

روابط دو کشور مهم منطقه خاورمیانه، ایران و ترکیه، با وجود تنش‌های موردی، همواره در صلح و ثبات بوده است و تاکنون مناقشه‌ای که موجب ایجاد بحران در روابط دو کشور شود، به وجود نیامده است. هرچند تقابل دو کشور در برخی مواضع همدیگر، باعث کندی و سردی روابط شده است؛ اما این امری طبیعی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و باعث پویایی نظام بین‌الملل است. در برهه کنونی و پس از بروز بحران در کشور سوریه، روابط ایران و ترکیه نیز به فراخور تأثیر از بحران، دچار چالش گردیده است. کشور ترکیه به علت داشتن حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه، در کانون بحران قرار می‌گیرد؛ اما ایران فاقد چنین حساسیت جغرافیایی نسبت به بحران است. در مقابل، اهداف راهبردی ایران در سوریه به علت قرار گرفتن این کشور در محور مقاومت، ایران را نیز درگیر و متأثر از بحران سوریه می‌نماید. تعامل دو کشور بزرگ خاورمیانه، ایران و ترکیه در این ماجرا، می‌تواند به برون‌رفت از بحران کمک نماید؛ چنانچه تقابل این دو کشور، باعث دوری آنها از همدیگر و به خطر افتادن منافع ملی و منطقه‌ای می‌گردد. ایران با ترکیه روابط تجاری در سطح بالایی دارد و از تعامل غرب‌گرایانه این کشور در پرونده هسته‌ای سود می‌برد. همچنین تنش ترکیه با رژیم غاصب صهیونیستی در سال‌های اخیر، به توازن قوا به نفع جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است. بنابراین دو کشور باید با مد نظر قرار دادن حساسیت‌های طرفین، به تعاملی کارآمد در بحران فرامنطقه‌ای سوریه برسند؛ هرچند که تقابل در مواضع، بیش از تعامل دیده می‌شود.

اهداف پژوهش

۱- بررسی عوامل و روند بحران سوریه.

۲- نقش این بحران در بروز تعامل و تقابل ایران و ترکیه.

سؤال اصلی: نقش بحران سوریه در تعامل و تقابل روابط ایران و ترکیه چیست؟

فرضیه: بحران سوریه براساس عوامل داخلی و خارجی، شرایط بروز تعامل کمتر و تقابل بیشتر در روابط ایران و ترکیه را با توجه به اهداف و منافع دو کشور فراهم کرده است.

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات: روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی است بطوری- که ضمن بیان مبانی نظری اوضاع سیاسی اقتصادی سوریه و عوامل آن و موارد تعامل و تقابل ایران و ترکیه ناشی از این بحران را تجزیه و تحلیل می‌نماید و جهت گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای همراه مصاحبه با صاحب‌نظران به علت جاری بودن موضوع استفاده کرده است.

مبانی نظری

جغرافیای سیاسی جدید منطقه

در دوران بعد از جنگ سرد، کشورهای جهان غرب بویژه آمریکا احساس می‌کردند که به سطحی از قدرت، نفوذ و اعتبار رسیده‌اند که می‌توانند بر هر چالشی چیره شوند، چنین رویکردی زمینه‌های شکل‌گیری «تفکر غلبه» در ساختار سیاسی و رویکرد بین‌المللی جهان غرب را پدید آورد. اما انقلاب اسلامی ایران، چالشی را در برابر هژمونیک‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی بوجود آورد که آثار آن ادامه دارد.

برژینسکی در سال ۱۹۹۷ در کتاب «صفحه شطرنج جهانی» برتری آمریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن «کوشید تا رهبری آمریکا را بر جهان منعکس کند. در این راستا بهره‌گیری از تکنولوژی، سرمایه و متخصصان، بعنوان انرژی برای تولید جنگ‌افزارهای دقیق به معنی افزایش انگیزه‌های نظامی برای اعمال سلطه در نظام جهانی به شمار می‌رود که نمونه آن حضور آمریکا در جنگ علیه صدام (۱۹۹۱) و جنگ کوزوو (۲۰۰۱)، اشغال افغانستان (۲۰۰۱) و اشغال عراق (۲۰۰۳) می‌باشد. چنین رویکردی زیرساخت فکری جنگ‌های منطقه‌ای آمریکا بویژه در آسیای جنوب غربی را بازتاب می‌دهد. طبیعی است که در این وضعیت، مقاومت در برابر آمریکا شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که در هندسه جدید نظام جهانی، در برابر اقدامات ابزاری آمریکا به عنوان محور سلطه، نیروهای سیاسی، اجتماعی و هویتی متنوعی شکل گرفته است.

همه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر این نکته تاکید داشته‌اند که هرگاه موازنه دچار تغییر و دگرگونی شود و کشور درصدد باشد تا به قدرت مازاد رهبری دست یابد، دیگر کشورها و

بازیگران در برابر آن مقاومت می‌کنند و تضادهای راهبردی بین نظام سلطه و مقاومت دیده می‌شود. در این زمینه نظام سلطه دارای قدرت ابزاری و کارگزاران جنگ نیابتی است. در مقابل جبهه مقاومت مانند بیداری اسلامی در شمال آفریقا، شرق مدیترانه و جنوب غربی آسیا نیز دارای سرمایه اجتماعی مردم و ابزار شهادت بوده و بنابراین از انگیزه لازم برای حفاظت از فضای فرهنگی و هویتی خود برخوردار خواهد بود در حالیکه آمریکا تلاش دارد تا گروه‌های مقاومت را از یکدیگر جدا و اختلافات درونی آنان را به تضاد تبدیل کند و هویت اسلامی را که دارای انگیزه مقاومت فراگیری است، تضعیف سازد.

با بررسی گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در آگوست ۲۰۱۲ درباره تروریسم، مشخص می‌شود که گروه‌های گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی در همه حوزه‌های جغرافیایی در برابر نظام سلطه مقاومت می‌کنند و بالتبع بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را ایجاد می‌نمایند. آمریکا برای مقابله با این جبهه مقاومت از برخی از ایدئولوژیهای التقاطی مانند گروه‌های سلفی، تکفیری و طالبان به عنوان کارگزار عملیاتی، سیاهی لشکر در «جنگ نیابتی» استفاده می‌کنند.

محور اصلی منازعه کارگزاران جنگ نیابتی آمریکا در ژئوپلیتیک مقاومت علیه ایران سازماندهی شده است. چنین رویکردی بر پایه قالب‌های گفتمانی «مقابله با هلال شیعی» شکل می‌گیرد. به موازات شکل‌گیری پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا، شاهد سازماندهی پایگاه‌های امنیتی آمریکا در جغرافیای مقاومت نیز هستیم. بخشی از این نیروها هم‌اکنون در سوریه به کنش عملیاتی علیه دولت بشار اسد به عنوان خط مقدم جبهه مقاومت فعالیت دارند. چنین نیروهایی پس از آنکه سازماندهی شوند و تجربه پیدا کنند از قابلیت لازم برای بهره‌برداری در حوزه‌های مختلف جغرافیایی مثل لبنان برخوردار می‌شوند و نیروهای نظامی آمریکا به عنوان پشتیبان یگان‌های جنگ دست‌نشانده و منازعه نیابتی ایفای نقش می‌کنند. هدف از سازماندهی و کاربرد چنین نیروهایی تحت عنوان «واکنش سریع» و «عملیات قاطعانه» مداخله در روند منازعات منطقه‌ای مانند سوریه در مکان و زمان مناسب

است. بنابراین حمایت آمریکا از مخالفان سوریه و آموزش و تجهیز و تقویت مالی آنها در این راستا می‌باشد. (متقی، ۱۳۹۱: ۱)

نظریه تبدیل جنگ‌های داخلی به جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

کشمکش‌ها و بحران‌هایی نظیر سوریه از لحاظ مادی و معنوی چنان از حمایت قدرتهای مختلف بهره‌مند می‌شوند که دیگر نمی‌توان گفت این درگیری‌ها جنبه داخلی دارد. مدل-اسکی معتقد است با توجه به اینکه حاصل یک جنگ داخلی، بستگی به عوامل خارجی دارد، می‌توان چنین فرض کرد که «شورشیان برای نیل به اهداف نهایی در یک جنگ داخلی، اجباراً باید به جنگ، جنبه بین‌المللی و منطقه‌ای ببخشند. این روند بر مبنای اصول و عوامل چهارگانه زیر بنا شده است.

اولاً شورشیان با تخریب یا بدست‌گیری دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی اقتصادی دشمن و تأسیس نهادها و تشکیلات جدید سیاسی - اقتصادی برای هدایت و رهبری جنبش «قدرت» خویش را مستقر می‌سازند.

ثانیاً «جهت کسب پیروزی از وحدت منافع سیاسی و ایدئولوژیکی و اقتصادی» بطور مقطعی یا درازمدت با کشورهای منطقه (ترکیه، عربستان، قطر) و سایر دول استفاده می‌کنند.

ثالثاً بخاطر کسب حمایت سیاسی - تبلیغی، شناسایی و داشتن محلی برای پناهندگی در صورت شکست قطعی، از جانب سایر کشورها و جلب افکار عمومی جهان، «مجاری ارتباطات سیاسی» را با دول مختلف ایجاد می‌کنند.

رابعاً برای دریافت «منافع مادی مادی و نظامی» از طرف دولت‌های گوناگون، به جنگ داخلی جنبه بین‌المللی منطقه‌ای می‌دهند و سایر ملل نیز بسته به شدت و مدت جنگ مجبورند موضع خویش را در قبال آن مشخص سازند. (Modeleski, 1964. 14-44)

نظریه بازی ها

بحران سوریه را نمی‌توان صرفاً در داخل چارچوب تحلیلی یک بازی به طور کامل درک کرد؛ ولی الگوها و فرآیندهای روابط بین‌الملل غالباً ویژگی‌های بازی‌گونه معینی را از خود متجلی می‌سازند. از آنجا که نظریه بازی‌ها و بازی‌سازی، روابط تنگاتنگ با تصمیم‌گیری و چانه‌زنی دارند، بنابراین احتمالاً برای مطالعه این بحران که در آن معمولاً صحبت از انجام حرکتی بر روی صفحه شطرنج دیپلماسی، لاف زدن، به کارگیری اهرم چانه‌زنی و تلاش برای حدس زدن اقدامات حریف یا گیر انداختن حریف است، مناسب می‌باشد. نظریه بازی‌ها، بر اساس مفاهیم مشخصی بیان شده است. به طور کلی نظریه بازی‌ها، دارای ۵ مفهوم مهم به شرح زیر است:

الف) تضاد (ب) قواعد بازی (ج) اطلاعات (د) راهبرد (ه) پردازش برای نمونه، در بازی شطرنج، بازیکنان درگیر کشمکشی برای شکست دادن همدیگر هستند. آنها قواعد معین یا هنجارهایی را که رفتارشان را هدایت کند، مشخص می‌کنند و اطلاعات معینی را که بر اساس آن بتوانند راهبردی ارائه نمایند، استنتاج می‌کنند. بازیگران به طور آشکار، امتیازات و مزیت‌هایی را برمی‌شمارند که ممکن است در پایان برداشت کنند. این عمل، پردازش نامیده می‌شود که پایان کار است. در یک روش مشابه، بازیگران نظام بین‌الملل، کنش و واکنش انجام می‌دهند. بازیگران می‌توانند بهترین فهم را بر اساس آن الگو داشته باشند (ابراهیمی فر، ۱۳۸۸: ۵۴).

نظریه بازی‌ها ۳ نمونه مهم دارد:

بازی با حاصل جمع صفر: وقتی که یک بازیگر یا گروهی از آنها، طرف دیگر را کاملاً شکست دهد و به طور آشکار بر طرف دیگر مسلط شود، این اتفاق، بازی با حاصل جمع صفر نامیده می‌شود. این بازی ممکن است در یک جنگ تمام عیار و نامحدود اتفاق بیفتد. در این بازی، میزان امتیازی که بازیگر الف به دست می‌آورد، بازیکن ب به همان اندازه از دست می‌دهد.

بازی با حاصل جمع ثابت: وقتی که یک کشور یا بازیگر بدون آسیب رساندن به منافع دیگر کشورها، بالاترین حد منافع را برداشت می‌کند، این امر، بازی با حاصل جمع ثابت نامیده می‌شود.

بازی با حاصل جمع غیرصفر: وقتی که کشورها یا بازیگران، هم درگیر اختلاف و کشمکش و هم همکاری هستند، آن نظام، به عنوان بازی با حاصل جمع غیرصفر نامیده می‌شود. این روش، از بازی‌های جنگی و نظامی که به منظور تربیت نیروهای نظامی و فرماندهان آنها به کار می‌رفت، نشأت گرفته است. در بازی با حاصل جمع غیرصفر، صرفاً تعارض بر سر منافع بازیگران حاکم نیست؛ بلکه بازیگران می‌توانند با اتخاذ راهبردهای انتخابی خود، بر سرنوشت جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تأثیر بگذارند (همان، ۵۴).

با عنایت به نظریه بازی‌ها در روابط بین‌الملل، اگر کشور سوریه را صحنه بازی فرض کنیم، دو کشور ایران و ترکیه هر کدام به علل مختلفی، دارای منافع حیاتی در این کشور هستند. ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر منطقه‌ای، در میدان بازی سوریه، مشغول رقابت و گرفتن حداکثر منافع از این بازی هستند. ایران و ترکیه در سوریه، علایق و اختلافاتی دارند که آنها را به تقابل و تعامل سوق می‌دهد. بحث حضور کردها در سوریه و هجوم پناهندگان سوری به جنوب ترکیه و همچنین نفوذ هرچه بیشتر رژیم غاصب صهیونیستی در خاک سوریه، از نگرانی‌های سیاسی و امنیتی ترکیه است. به همین علت، ترکیه خواهان حل و فصل هرچه سریع‌تر بحران سوریه است. ایران نیز سقوط رژیم بشار اسد را به ضرر خود می‌داند و خواهان استمرار نظام حاکم با انجام اصلاحات در این کشور است. ایران به علت اشتراکات ایدئولوژیک و پیشینه تاریخی تعامل و همکاری با سوریه و عمق راهبردی اهداف خود در این کشور (مبارزه و تعارض با رژیم غاصب صهیونیستی)، به تداوم نظام حاکم سوریه علاقه‌مند است. اما ترکیه به علت همکاری با آمریکا در بحران سوریه، و همسویی و اتحاد با ناتو و عدم نگاه ایدئولوژیک به مسئله سوریه، خواهان تغییر نظام حاکم و جایگزینی نظامی همسو با غرب در سوریه است؛ بنابراین حصول منافع حداکثری برای ایران و ترکیه در میدان بازی سوریه می‌تواند در زمینه‌های سیاسی و امنیتی مورد پژوهش قرار گیرد. روند

مورد نظر در این پژوهش، همان بازی با حاصل جمع غیرصفر است که بدان پرداخته خواهد شد.

ریشه‌های بحران سوریه

آنچه ناظران بر آن اجماع دارند و تایید کرده‌اند، وجود پیش زمینه‌هایی برای بروز نارضایتی و اختلاف در سوریه است. وجود عوامل و پتانسیل‌هایی برای ایجاد بحران در داخل سوریه، اغماض‌ناپذیر است. در بررسی عوامل آغاز بحران، می‌توان آن را در دو بخش داخلی و خارجی دسته‌بندی کرد. از عوامل داخلی موثر در آغاز بحران در سوریه، می‌توان به عوامل رکود سیاسی و اقتصادی اشاره نمود. در بررسی عوامل خارجی، به دو عامل دخالت‌های خارجی و جنش‌های اخیر جهان اسلام می‌رسیم. در این بخش، به بررسی اجمالی موارد پیش‌گفته به عنوان ریشه‌های بحران سوریه می‌پردازیم:

۱- رکود سیاسی: دولت بشار اسد را نماینده اقلیت علوی سوریه (۱۳ درصد جمعیت کل سوریه، علوی است) می‌دانند. نتیجه اینکه، دولت بشار اسد، فقط حمایت گروه اقلیت را به همراه دارد و اکثریت جامعه سوریه، مشروعیت نظام سیاسی این کشور را نمی‌پذیرند. با قبول این پیش‌فرض، وقوع یک نارضایتی در میان اکثریت مردم سوریه قابل پیش‌بینی است. اکنون، مخالفان دولت سوریه، بر حضور شیعیان علوی در رأس قدرت اعتراض دارند و خواستار مشارکت بیشتر سنی‌ها در حکومت سوریه هستند. نظام سیاسی سوریه، نظامی تک‌حزبی و تحت کنترل دائمی حزب بعث است. این حزب، یک حزب سکولار و ملی‌گرا است. حزب بعث به صورت موروثی در اختیار خاندان اسد و نیروهایشان قرار گرفته بود. نهاد ارتش نیز به علت اینکه حافظ اسد خلبان و فرمانده نیروی هوایی ارتش بود، وابستگی شدیدی به خاندان اسد خواهد داشت. ترکیبی از ۳ نهاد بوروکراتیک ارتش، دولت و حزب به‌علاوه نهاد جمعیتی، نژادی و مذهبی علوی، موجب تجمع قدرت در خاندان اسد شده بود. در کنار این مسائل، مواردی چون انحلال حزب اخوان المسلمین در دهه ۸۰ میلادی، سرکوب شدید معترضان در سال ۱۹۸۲ میلادی، عدم شناسایی کردها به عنوان شهروندان سوری و وجود وضعیت اضطراری در کشور سوریه، اوضاع سیاسی این

کشور را از لحاظ هنجارهای دموکراتیک بین‌المللی نامطلوب جلوه می‌داد. این وضعیت در زمان حافظ اسد که یک سیاستمدار باهوش و دولت‌مردی اقتدارگرا است، طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما با روی کار آمدن بشار اسد جوان با ویژگی‌های خاص (تحصیل پزشکی در انگلیس، ازدواج با یک انگلیسی‌سوری‌الاصل، کم‌تجربگی) ادامه روند را با مشکل روبرو کرد. بنابراین انجام اصلاحات ساختاری را برای درمان بیماری کشور سوریه که دیگر حکومت‌های منطقه نیز از این بیماری رنج می‌بردند و بعضاً سقوط کرده بودند، ضرورت می‌بخشید. روند کند و دیر هنگام اصلاحات در مقابل سیل عظیم جنبش‌های منطقه، بحران سوریه را ناگزیر کرد. با وجود اقدامات اصلاحی قابل توجه دولت، هنوز هم بسیاری از مخالفان نگرانند که ممکن است پس از آرام شدن فضا، رکود سیاسی به کشورشان باز گردد (مصاحبه با دکتر حق شناس، ۹۱/۴/۲۱).

۲- **رکود اقتصادی:** کشور سوریه، جزو کشورهای فقیر جهان عرب محسوب می‌شود. بشار اسد از زمان روی کار آمدن، وعده‌های متنوعی مبنی بر تقویت استانداردهای رفاهی مردم داده و نیز اقداماتی در این راستا انجام داده است. در سال‌های اخیر، برنامه‌های جدیدی تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول برای اصلاح ساختار اقتصادی سوریه به عمل آمد که نتایج آن با دستاوردهای وعده داده‌شده فاصله زیادی دارد. بحران اقتصادی جهانی نیز آثار محسوسی بر اقتصاد سوریه به جا گذاشته است. به تبع این بحران، از میزان سرمایه‌گذاری و تولید کاسته شده و بر آمار بیکاران افزوده شده است. با وجود آنکه ذخایر نفتی سوریه کم است و تولید نفت خام روزانه این کشور، کمی بیش از ۲۰۰ هزار بشکه در روز است؛ اما همچنان نفت، منبع اصلی درآمد سوریه را تشکیل می‌دهد. فقر و بیکاری، مشکلات جدی این کشور است. بشار اسد در جریان بحران اخیر، اولویت اول در انجام اصلاحات را تلاش برای بهبود وضعیت معیشت مردم و سپس توسعه سیاسی عنوان کرده است (روزنامه جام جم، ۹۱/۴/۱۱).

۳- **جنبش‌های اخیر جهان عرب:** اگر رکود سیاسی و مشکلات اقتصادی به مثابه متغیرهای ریشه‌ای، در برخی شهروندان سوریه انگیزه اعتراض ایجاد کرده بود، تحولات اخیر جهان

عرب به مثابه یک کاتالیزور مهم عمل کرده است. تأثیرگذاری این تحولات به ویژه از این حیث قابل توجه است که در دو کشور تونس و مصر، دولت‌ها در برابر معترضان تسلیم شدند و کناره‌گیری کردند و بسیاری دولت‌های دیگر نیز وعده اصلاحات دادند. پتانسیل بالای کشور سوریه برای تأثیرپذیری از تحولات منطقه، باعث تحول در سوریه نیز گردید. سقوط دیکتاتورهای منطقه (بن علی، مبارک، قذافی و عبدالله صالح) که همگی دارای پیشینه نظامی بودند و از طریق کودتا به قدرت رسیده بودند، با قربت‌هایی که کشور سوریه داشت، نمی‌توانست فضای این کشور را متأثر نسازد. بنابراین با نفوذ و تحریک عناصر اخوان المسلمین و سلفی‌ها در مناطق مرزی مانند درعا، فضای سوریه نیز با اعتراضات اولیه ملت‌هت گردید (مصاحبه با دکتر حق شناس، ۹۱/۴/۱۲).

۴- **دخالت‌های خارجی:** به علت سیاست خارجی مستقل سوریه و حمایت این کشور از محور مقاومت و قرار گرفتن در جبهه مخالف غرب، این انتظار وجود داشت که در اثر جنبش‌های عربی، سوریه با دخالت‌های خارجی بیشتری مواجه شود. غرب به رهبری آمریکا تحت تأثیر ملاحظاتی چون امنیت رژیم غاصب صهیونیستی، همواره خواهان سوریه ای ضعیف و منفعل بوده است. پیوندهای دوستانه بشار اسد با ایران از یک سو و حمایت این دولت از گروه‌های فلسطینی - لبنانی از سوی دیگر، همواره چالشی مهم برای منافع غرب و رژیم غاصب صهیونیستی بوده است. از این رو است که آمریکا و هم‌پیمانانش همچون ترکیه و اتحادیه عرب، با مشاهده آغاز اعتراضات در سوریه (که در مقایسه با مواردی چون تونس، مصر و لیبی بسیار اندک بود)، با جدیت بیشتری واکنش نشان دادند و در راستای تحریک و تسلیح بیشتر معترضان، دولت سوریه را تحت فشار قرار دادند. شبکه‌های جهانی غربی از جمله BBC و CNN و شبکه‌های کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس همچون الجزیره و العربیه، ضمن بزرگ‌نمایی اعتراضات و سانسور اخبار، نحوه برخورد‌های نیروهای امنیتی سوریه با معترضان را بزرگ‌نمایی کردند و به دروغ-پراکنی پرداختند (همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰).

عربستان، قطر و ترکیه با دخالت‌های خود، به دنبال منافع خود در سوریه بودند. از نظر عربستان، کنترل سوریه یعنی کنترل لبنان و عراق و گسترش مرزهای خود از یک جهت تا ایران و از جهت دیگر تا دریای مدیترانه. از نظر ترکیه، به دست گرفتن امور سوریه به معنای بازگشت عظمت از دست‌رفته امپراتوری عثمانی و بازگسترش حضور و نفوذ خود از شمال سوریه تا جنوب سوریه و لبنان است. در همین راستا، جبهه غرب و کشورهای ارتجاع عرب، ابتدا تظاهرات و سپس درگیری‌های مسلحانه به امید انشقاق ارتش و بعد انفجار و بمب‌گذاری و کشتار وسیع را به راه انداختند (روزنامه همشهری ۹۱/۳/۲۰).

اصلاحات بشار اسد

با پیچیده‌تر شدن اوضاع و احساس خطر سقوط نظام، بشار اسد در روند اصلاحاتی که شروع کرده بود، تسریع بخشید. در واقع بشار اسد از همان ابتدای دوران ریاست جمهوری خود (سال ۲۰۰۰)، با هدف بهبود اوضاع و توسعه سوریه، اصلاحاتی را در این کشور آغاز کرد و عمده این اصلاحات نیز در بخش اقتصادی و بر اساس برنامه‌ریزی و طرح‌های تدوین شده انجام گرفت. بشار اسد در جریان بحران اخیر نیز، اصلاحاتی را آغاز کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- صدور حکم برگزاری انتخابات آزاد پارلمانی؛
- اصلاح قانون تعدد احزاب سیاسی؛
- اصلاح قانون مربوط به فعالیت رسانه‌ها؛
- اصلاح قانون مربوط به انتخابات شهرداری‌ها و شوراهای شهر؛
- ملغی کردن قانون وضعیت اضطراری (وضعیت فوق‌العاده جنگ با رژیم غاصب صهیونیستی).
- اصلاح قوانین اقتصادی (مصاحبه همشهری دیپلماتیک با سفیر سوریه در تهران، شماره ۵۰).

برخی از این اصلاحات انجام شده است و بسیاری از امور نیز در راستای اصلاحات وعده داده‌شده در حال اجرا است، از جمله عفو و آزادی ۲۰۰ زندانی سیاسی در تاریخ ۲۶

مارس ۲۰۱۱، انتخاب عادل سفر به عنوان نخست‌وزیر در ۳ آوریل ۲۰۱۱، لغو حالت فوق‌العاده در ۲۱ آوریل ۲۰۱۱، تشکیل کمیته‌های پاسخ گو به مردم در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۱، صدور اجازه تشکیل احزاب متعدد سیاسی و اصلاح قانون انتخابات در ۴ آگوست ۲۰۱۱، برگزاری انتخابات شوراها در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱ و انتخاب دو تن از مخالفان به عنوان وزیر کابینه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۲، انجام رفراندوم قانون اساسی در ۲۵ فوریه ۲۰۱۱، برگزاری انتخابات پارلمانی در ۷ می ۲۰۱۲.

نقطه عطف تداوم روند اصلاحات در سوریه، برگزاری انتخابات پارلمانی در ۷ می ۲۰۱۲ (۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱) بود. این انتخابات متعاقب تصویب قانون اساسی جدید (الدستور الجديد) این کشور انجام گرفت که در ۷ اسفند ۱۳۹۰ در رفراندوم عمومی به تأیید رسید. تغییر قانون اساسی برای ایجاد اصلاحات سیاسی، سوریه را وارد مرحله جدیدی کرد که به «جمهوری دوم» سوریه معروف شد. در قانون اساسی جدید، امکان فعالیت احزاب دیگر در کنار حزب بعث فراهم شده است. همچنین ایجاد محدودیت در مدت زمان تصدی پست ریاست‌جمهوری به دو دوره هفت ساله، از نتایج این تغییر اساسی بود. برگزاری این انتخابات به نوعی نشانه اقتدار نظام سیاسی در کنترل امور داخلی و مدیریت بحران بود.

شرایط موجود نیز حاکی از آن است که بیشتر مردم سوریه، خواهان انجام اصلاحات و تداوم نظام سیاسی حاکم هستند. برگزاری انتخابات پارلمانی و انجام اصلاحات، باعث همراهی و رضایت مردم سوریه خواهد شد و این نکته‌ای است که بشار اسد جوان اگرچه با تأخیر اما بالاخره بدان رسید. مخالفان داخلی سوریه نیز پس از مشاهده انجام اقدامات اصلاحی و برگزاری انتخابات آزاد پارلمانی، به آینده نظامی سیاسی کشور خوش‌بین تر شدند. تفاوت مخالفان داخل و خارج در این است که مخالفان داخلی با دخالت خارجی‌ها در امور داخلی سوریه و جنگ مذهبی و قومی و کاربرد سلاح و تغییر قهرآمیز مخالفند. این احزاب به دنبال رویکرد مسالمت‌آمیز برای تغییر هستند و دولت، این راه را باز گذاشته است و انتخابات به عنوان یک راهکار، فرا روی آنها قرار گرفت و این حوزه اشتراک بین

دولت و مخالفان داخلی را افزایش داد و زمینه رسیدن به راه حل میانه میان این دو را فراهم ساخت. تصور بر این است که رویکرد گام به گام دولت در امر اصلاحات، حوزه اشتراک با مخالفان را افزایش خواهد داد (روزنامه همشهری، ۹۱/۱۲/۱۸).

طرح کوفی عنان

در ۵ مارس ۲۰۱۲، کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل به عنوان نماینده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب برای حل بحران سوریه معرفی شد و به دمشق اعزام گردید. کوفی عنان پس از رایزنی با مقامات سوریه، روسیه، چین، ترکیه، ایران و عربستان و نمایندگان مخالفان، طرح ۶ ماده‌ای را در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۱۲ به شورای امنیت سازمان ارائه نمود که به عنوان طرح بین‌المللی اصلاحات در سوریه تلقی شد و مورد تصویب قرار گرفت. با توجه به اجماع بین‌المللی در این طرح، انتظار می‌رود که روال جدیدی برای خاتمه بحران ایجاد کند. در این بخش، به مرور ۶ ماده این طرح و اقدامات صورت‌گرفته تاکنون می‌پردازیم:

- ماده اول: اولین ماده این طرح، خاتمه خشونت در سوریه است. برای این کار، ضرب-الاجلی ۴۸ ساعته از ۲۴ تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ (۱۲ تا ۱۴ آوریل ۲۰۱۲) تعیین شد. در اولین گام، از طرفین اختلاف خواسته شد تا از هرگونه درگیری پرهیز کنند و نیروهای ارتش سوریه نیز نیروهای خود را از شهرها خارج کنند. در ظرف مهلت ۴۸ ساعت، درگیری‌هایی در خربه الجوز و حمص شکل گرفت و حدود ۱۷ نفر کشته شدند که دو طرف، یکدیگر را مسئول این درگیری‌ها معرفی کردند. دو طرف به طور محتاطانه آتش بس را دنبال کردند؛ ولی نه دولت سوریه، نیروهایش را از شهرها خارج کرد و نه نیروهای مخالف، خلع سلاح شدند.

- ماده دوم: ماده دوم طرح عنان درباره خواست‌های مردم و راهپیمایی مسالمت‌آمیز است. اگر شرایط آتش بس تحکیم گردد و از حالت شکننده خارج شود، زمینه برای اجرای این ماده فراهم می‌گردد که تاکنون به علت شدت خشونت‌ها، مهلت برای اجرای این بند فراهم نشده است.

- مواد ۴ و ۵: در این مواد، تقاضای آزادی خبرنگاران برای پوشش خبرهای این کشور و آزادی زندانیان سیاسی است. در این راه، دولت سوریه به توافق خود عمل کرد و علاوه بر آزادی خبرنگاران برای پوشش اخبار، در دو نوبت، فرمان آزادی زندانیان سیاسی و عفو آنان را صادر نمود (نوبت اول ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ و نوبت دوم ۲۶ مارس ۲۰۱۱).

- ماده ششم: اصل مذاکره فراگیر بین تمام نیروهای سیاسی سوریه و تصمیم برای آینده این کشور.

همان طور که مطرح شد، طرح صلح عنان دو مرحله را در تحولات سوریه دنبال می‌کند: مرحله اول، کاهش خشونت و امکان امدادسانی بشردوستانه است. مرحله دوم، زمینه برای مذاکره سیاسی و در نهایت رسیدن به یک راه حل سیاسی برای پایان درگیری و بازگشت این کشور به شرایط عادی است (دیده‌بان امنیت، فروردین ۱۳۹۱).

رابطه ایران و سوریه

روابط ایران و سوریه براساس مدل جیمز روزنا شامل شش متغیر سیاست خارجی یعنی سیستم بین‌الملل و منطقه‌ای، قدرت کشور، حکومت، عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، نقش سیاستمداران، و ویژگی‌های شخصیتی نخبگان قابل تجزیه و تحلیل است (Rosenau.1964: 55) ایران و سوریه دو متحد راهبردی هستند، متغیرهای سیستم بین‌الملل و عوامل اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی، تأثیر به‌سزایی در نزدیکی دو کشور ایفا کردند، هرچند که سایر متغیرهای مدل مزبور بی‌تأثیر در این فرآیند نبودند، در روابط ایران و سوریه، به رغم وجود منافع مشترک در تحکیم پیوندهای دوستی، آنچه به قوام این روابط انجامیده است وجود تهدیدهای مشترک از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل است. سنگ بنای روابط وقتی بر پایه رفع تهدیدها شکل گیرد با تغییر تهدیدها نیاز به پی‌سازی نوین روابط در آن حوزه نیز ضروری می‌گردد. چالش‌های نظام بین‌الملل علیه سوریه و ایران و رویکرد انزواسازی این دو کشور از سوی غرب، در تقریب دو کشور نقش مهمی داشته است این قضیه به‌ویژه برای ایران بیشتر صادق است زیرا دولت ایران در جهان عرب اساساً بدیلی غیر سوریه نداشته است (امیدی، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۲۹)

ترکیه و تحولات سوریه

امپراتوری عثمانی شامل قسمت‌های عمده‌ای از ممالک امروزی شبه‌جزیره بالکان در اروپا و ممالک امروز خاورمیانه عربی و خاور نزدیک و قسمت‌هایی از شمال آفریقا بود. پس از شکست در جنگ اول جهانی، بسیاری از متصرفات عثمانی از دست این کشور بیرون رفت. بر اساس قرارداد «سایکس - پیکو» در سال ۱۹۱۶، امپراتوری عثمانی تجزیه گردید و سوریه و لبنان تحت قیمومیت فرانسه درآمد. سوریه در سال ۱۹۴۹ استقلال یافت (کتاب سبز ترکیه، ۱۳۸۸: ۲۲). قبل از وقوع بحران در سوریه، ترکیه روابط حسنه در سطح عالی با سوریه برقرار نموده بود. روابط تجاری ترکیه و سوریه در سطح ممتازی قرار داشت. تسهیل در رفت و آمد اتباع ترک و سوری به کشورهای همدیگر، نشان از عمق دوستی دو کشور داشت. روزانه بیش از ۴۰ هزار نفر سوری به ترکیه وارد می‌شدند. طبق توافقات دو کشور، روادید برای شهروندان ترک و سوری برداشته شده بود و رونق اقتصادی در استان‌های مرزی ترکیه و سوریه به حد اعلائی خود رسیده بود (مصاحبه با آقای قائم مقامی، ۹۱/۴/۲۴).

تحولات سوریه، ترکیه را دچار سردرگمی کرد؛ به گونه‌ای که دولت این کشور، از سویی با توجه ویژه به حوادث سوریه، با نگرانی شدید از تأثیر این حوادث بر امنیت ترکیه، آخرین تحولات همسایه خود را دنبال می‌کرد و از سوی دیگر بارها از آمادگی خود برای همکاری با دمشق به منظور برقراری آرامش و استقرار امنیت سخن می‌راند (روزنامه سیاست روز، ۹۰/۵/۸).

با گسترده‌تر شدن تحولات سوریه، ترکیه در جبهه غرب و علیه سوریه موضع‌گیری نمود و خواهان ایفای نقش مؤثرتری در بحران سوریه شد. رجب طیب اردوغان طی چند نوبت سخنرانی، بشار اسد را به پایان خشونت‌ها علیه مردم توصیه کرد و لزوم برکناری از قدرت را به وی یادآوری نمود و به بشار اسد چنین گفت: ساختن آینده بر «خون مظلومان» ممکن نیست (WWW.ORSAM.org.tr).

ترکیه یکی از علل دخالت در تحولات سوریه را نگرانی از به خطر افتادن جان اقلیت‌های ترکمن سوریه عنوان داشته است. ترکمن‌ها با جمعیتی در حدود ۴۰۰ هزار نفر، بیشتر در شهرهای دمشق، لاذقیه و باب‌الامر ساکن هستند (www.Turkishny.com).

صاحب‌نظران دو عامل مهم (با نگاه به سیاست شرق‌گرایی ترکیه) را در اتخاذ مواضع جدید ترکیه در تحولات خاورمیانه به ویژه بحران سوریه تأثیرگذار می‌دانند:

۱- تفکر نوع‌ثمنانی‌گرایی یا بازگشت به عظمت امپراتوری عثمانی در پوشش و شعار اسلام‌گرایی. اردوغان پس از وقوع انقلاب و استقرار حکومت‌های جدید در مصر، لیبی و تونس، به این کشورها سفر کرد و از پیشنهاد ارائه الگوی سیاسی حکومت لائیک ترکیه در این کشورها صحبت کرد. ترکیه در سوریه نیز به دنبال استقرار حکومتی غرب‌گرا و مطیع برای رهبران ترکیه بود. با وجود پذیرش الگوی سیاسی ترکیه از سوی لیبی و تونس و روی کار آمدن اخوان‌المسلمین (که خواست ترکیه بود) در این کشورها، باید توجه داشت که ساخت و بافت فکری و سیاسی سوریه، متفاوت از کشورهای پیش گفته است و اساساً برقراری چنین الگویی در سوریه، به آسانی ممکن نیست.

۲- توسعه عمق راهبردی ترکیه: به تصور ترکیه، چنانچه حکومتی مورد خواست این کشور در سوریه بر سر کار آید (نظیر آنچه در مصر و لیبی اتفاق افتاد)، سوریه به منزله حیاط خلوت ترکیه عمل خواهد نمود و مرزهای راهبردی ترکیه، از حلب به درعا (مرز اردن) افزایش خواهد یافت. سرمایه‌گذاری برای ایجاد ارتش آزاد متمایل به ترکیه در سوریه، در راستای این تفکر انجام شد. فرماندهان و کارکنان ارتش سوریه، علقه ایدئولوژیک بعث دارند و تعلقات مذهبی، دلیلی بر پشت کردن آنها به عقاید سیاسی نمی‌شود (مصاحبه با آقای آل بوغبیش، ۹۱/۴/۱۰).

اکنون ترکیه به پیش‌تاز «نیروهای منطقه‌ای عربی- غربی» برای سرنگونی حکومت سوریه به رهبری بشار اسد، تبدیل شده است؛ چنانچه این کشور «شورای ملی سوریه» و «ارتش آزاد سوریه» را تأسیس و سازماندهی کرده و تحت حمایت خود قرار داده و به میزبان این ائتلاف مخالف حکومت دمشق تبدیل شده است. نشست ضد سوری موسوم به دوستان

سوریه، در ۲۰ مارس ۲۰۱۲ در استانبول برگزار شد. اردوغان و داود اوغلو، بارها مشروعیت نظام حاکم سوریه را زیر سوال برده‌اند و بشار اسد را متهم به قتل عام مردم نموده‌اند. براندازی نظام حاکم سوریه، خواست اول ترکیه است (مصاحبه با آقای قائم مقامی، ۹۱/۴/۲۴).

داود اوغلو در مصاحبه با فرانس ۲۴ اعلام کرد: رژیم بشار اسد مشروعیت خود را از دست داده است. تأسیس حکومت موقت باید در راستای تغییر نظام انجام گیرد؛ اکنون بیش از ۳۶ هزار پناهنده سوری در ترکیه زندگی می‌کنند و بیش از ۲۰ نفر از ژنرال‌های ارتش و صدها نفر از افسران و درجه‌داران سوریه به ترکیه فرار کرده‌اند. (www.orsam.org.tr).

در راستای سیاست جدید ترکیه در قبال سوریه، در آبان ۱۳۹۰ (۱۶ نوامبر ۲۰۱۱)، اجلاس مشترک اتحادیه عرب و ترکیه در رباط مراکش برگزار شد. وزیر امور خارجه ترکیه در این اجلاس، با جملات تندی دولت بشار اسد را مورد حمله قرار داد. داود اوغلو با لحن غیرمعمول و غیرمتعارف دیپلماتیک، سرنوشت بشار اسد را با معمر قذافی مقایسه کرد و از اینکه دولت سوریه، پیشنهاد اتحادیه عرب برای مذاکره با مخالفان خود را رد کرده بود، اظهار تأسف کرد. به نظر می‌رسد دولت‌های عرب به طور پنهان و آشکار، از اقدامات ترکیه در اعمال فشار بیشتر به سوریه استقبال می‌کنند و از اعمال فشار اقتصادی ترکیه علیه سوریه در زمینه انرژی کاملاً حمایت می‌کنند (روزنامه شرق، ۹۰/۸/۲۸).

قبل از ساقط شدن هوایمای F4 ترکیه توسط سوریه در ۹۱/۴/۲ (۲۲ ژوئن ۲۰۱۲)، نخست وزیر اردوغان به ایجاد منطقه حائل در مرز سوریه هشدار داده بود و اعلام کرده بود که کشورش از طرح کوفی عنان حمایت می‌کند و صبورانه منتظر است تا شاهد پایبندی سوریه به ضرب‌الاجل داده شده برای آتش بس باشد، وگرنه دست به اقدام خواهد زد (روزنامه ایران، ۹۱/۱/۲۰). پس از وقوع ماجرای F4، ترکیه تلاش فراوان کرد تا با وارد کردن ناتو به مسئله سوریه و اقدام نظامی علیه این کشور، به مراد خود (براندازی نظام سوریه) برسد؛ اما با امتناع ناتو، تلاش به ایجاد منطقه حائل تا ۲۰ کیلومتری مرز در داخل خاک سوریه نمود. ایجاد منطقه حائل در داخل خاک سوریه به وسیله ترکیه، به بهانه حفظ

امنیت پناهندگان سوری در مقابل حملات ارتش سوریه و انتقال مسائل و مشکلات اجتماعی، امنیتی و اقتصادی ناشی از افزایش تعداد پناهندگان سوری از ترکیه به سوریه انجام شد. اما هدف راهبردی ترکیه، ایجاد منطقه امن برای سازماندهی مخالفان و در نهایت سرنگونی رژیم بشار اسد است (مصاحبه با آقای قائم مقامی، ۹۱/۴/۲۴).

امروز مواضع و سیاست ترکیه، روشن شده است و آن براندازی حکومت بشار اسد است. اکنون می‌توان گفت که سیاست تنش صفر با همسایگان، در قبال روابط با سوریه شکست خورده است. اتحادیه اروپا به تحرکات دیپلماتیک خود با ترکیه شتاب بخشیده است. آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه، برای تبادل نظر با مقامات ترکیه، عازم آن کشور شد تا سیاست‌های اتحادیه اروپا را با جهت‌گیری‌های ترکیه هماهنگ سازد (روزنامه شرق، ۹۰/۸/۲۸).

پس از شکست جبهه غربی در اجماع برای تصویب قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت (۱۹ ژولای ۲۰۱۲) که با وتوی چین و روسیه مواجه شد، نخست وزیر اردوغان، سوریه را متهم به حمایت از کردهای حزب کارگران کردستان کرد. وی مدعی شد که سوریه ۵ استان این کشور را به دست این حزب سپرده است تا به ترکیه ضربه بزنند. اردوغان در سفر به انگلیس و دیدار با همتای انگلیسی خود دیوید کامرون، خواستار برداشته شدن گام‌های بین‌المللی برای پایان دادن به درگیری‌ها در اطراف حلب شد. وی مدعی شد که این احتمال وجود دارد که دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی استفاده کند و به همین جهت باید گام‌هایی برای جلوگیری از این اقدام برداشته شود (روزنامه اطلاعات، ۹۱/۵/۸).

تعامل میان ایران و ترکیه در بحران سوریه

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به عنوان دو کشور قدرتمند، تأثیرگذار و فعال در منطقه خاورمیانه، می‌توانند با تحرک دیپلماتیک و تعامل با همدیگر، از وقوع بحران مضاعف در منطقه جلوگیری نمایند و با همکاری نزدیک‌تر می‌توانند زمینه‌های حل بحران‌های موجود را فراهم کنند. به نظر می‌رسد که هرچند بحران سوریه در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، چالش‌هایی را ایجاد کرده و کدورت‌هایی را به همراه داشته است؛ اما یک

فرصت در روابط دو کشور موجود بود و آن نزدیک شدن تهران و آنکارا به تعامل و همکاری واقع‌گرایانه برای حل بحران سوریه است. دوری ایران و ترکیه از همدیگر، به زیان منافع منطقه‌ای آنها و ضد صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. هر دو کشور با درک مرزهای منافع و حساسیت‌های منطقه‌ای همدیگر در مورد سوریه، باید به تعامل کارآمد برای حل بحران دست یابند؛ اما متأسفانه با افزایش خشونت‌ها در سوریه و خارج شدن موضوع از یک مسئله داخلی و بین‌المللی شدن آن، و همچنین تمایل ترکیه به جبهه غربی - عربی ضد سوریه، زمینه‌های تعامل میان دو کشور به سرعت از بین رفت. در این بخش، به شرح اندک موارد تعامل میان دو کشور ایران و ترکیه می‌پردازیم.

۱- قبول و حمایت ایران و ترکیه از طرح کوفی عنان

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، از ابتدای تحولات سوریه، در کنار روسیه، نقشی فعال در مدیریت ناآرامی‌های این کشور به سمت راه‌حلی مسالمت‌آمیز ایفا کرده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران از همه گزینه‌هایی که مذاکره، گفتگو و روش‌های مسالمت‌آمیز را برای حل مسئله سوریه در برمی‌گیرد، حمایت کرده و با روش‌هایی که دخالت خارجی یا حمله نظامی به این کشور را مطرح می‌کند، مخالفت نموده است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از طرح ۶ ماده‌ای کوفی عنان برای حل و فصل مسائل سوریه حمایت کرد. همچنین مقامات جمهوری اسلامی ایران طی مذاکراتشان با کوفی عنان در سفر وی به تهران، بر حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه تأکید کردند. حمایت جمهوری اسلامی ایران از حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه، تا جایی ادامه می‌یابد که آمادگی خود را برای میزبانی مخالفان دولت سوریه در تهران اعلام می‌کند، برای اینکه شرایط را برای گفتگو بین مخالفان و دولت بشار اسد فراهم کند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۵/۳).

پس از انتخاب کوفی عنان به عنوان نماینده ویژه سازمان ملل و اتحادیه عرب برای رسیدگی به بحران سوریه، وی طرح ۶ ماده‌ای را برای حل بحران و پایان خشونت‌ها در سوریه به شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد. این طرح در ۲۱ مارس ۲۰۱۲ (دوم

فروردین ۱۳۹۱) با حمایت غیرالزام‌آور شورای امنیت مورد تصویب قرار گرفت و به تعبیر بان کی مون (دبیر کل سازمان ملل)، «نقطه عطف اساسی» در تحولات سوریه محسوب می‌شود. این طرح پس از دیدار عنان از سوریه و مذاکره با اسد در ۱۰ و ۱۱ مارس ۲۰۱۲ (۲۳ و ۲۴ اسفند ۱۳۹۰)، مورد موافقت آن کشور نیز قرار گرفت و زمینه را برای ایجاد صلح فراهم آورد. عنان جدا از مذاکرات مختلف با سوریه، با کشورهای ایران و ترکیه نیز وارد مذاکره شده و آنان را از جزئیات این طرح مطلع نمود. در مجموع می‌توان گفت که این طرح، فرصت مناسبی برای ایجاد صلح و حل مسالمت‌آمیز بحران در سوریه است (ماهنامه دیده بان امنیت ملی، فروردین ۹۱).

نقطه عطف در فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران سوریه، حمایت از طرح کوفی عنان بوده است. کشور ترکیه نیز این طرح را قبول کرد و اردوغان در آوریل ۲۰۱۲ با اعلام حمایت از آن، نسبت به حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه اظهار امیدواری کرد. نباید فراموش کرد که این طرح در شورای امنیت سازمان ملل مورد تصویب قرار گرفته است و دارای وجهت مناسب (بین طرف‌های دیگر) و اجماع جهانی برای پشتیبانی از آن است. اما اعلام حمایت دو کشور ایران و ترکیه از این طرح برای برون‌رفت سوریه از بحران، تعاملی مهم در عرصه روابط دو کشور محسوب می‌شود. هرچند که افزایش سطح هیجان‌ها در سوریه، در برخی مقاطع، عملاً کارایی طرح کوفی عنان را پایین آورد؛ اما فعلاً تنها طرحی که می‌تواند انتظار به ثمر نشستن داشته باشد، همین طرح است و جامعه جهانی نیز در کنار ایران و ترکیه، به حمایت از آن تاکید می‌کند (مصاحبه با آقای غلامرضا عسگری، ۱۳۹۱/۴/۲۴).

۲- گفت و گوهای دیپلماتیک میان ایران و ترکیه در قضیه سرنگونی هواپیمای ترکیه
در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ (۹۱/۴/۲) پدافند هوایی کشور سوریه، یک فروند هواپیمای جنگنده ترکیه از نوع RF-4E را مورد هدف قرار داد و ساقط نمود. احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در گفت و گو با شبکه تلویزیونی تی‌آر تی ترکیه، با اعلام درخواست نشست ناتو و اذعان به اینکه جنگنده این کشور وارد حریم هوایی سوریه شده بود، اظهار داشت

که این هواپیما در فضای بین‌المللی مورد هدف دفاع هوایی سوریه قرار گرفته است. مقامات سوریه نیز تاکید کردند که جنگنده ترکیه وارد حریم هوایی این کشور شده بود و مطابق مقرراتی که در چنین شرایط اعمال می‌شود، با آن برخورد شده است و این کار، اقدامی در دفاع از حاکمیت ارضی سوریه بوده است (روزنامه همشهری، ۹۱/۴/۴).

سقوط هواپیمای ترکیه، میزان شکنندگی آرامش در مرزهای سوریه و ترکیه را نشان داد. با ارجاع مسئله از سوی ترکیه به شورای امنیت سازمان ملل و درخواست تشکیل جلسه مشورتی در ناتو برای رسیدگی و اعمال مجازات برای سوریه، بحران سوریه بیش از پیش، پیچیده‌تر شد. در این میان، مقامات جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از وارد شدن بحران مضاعف به فضای ملتهب منطقه، به تحرک دیپلماتیک دست زدند و طی تماس‌های تلفنی با مقامات ترکیه، به تعامل با آنان برخاستند. علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه کشورمان در گفت و گوی تلفنی با همتای ترکیه‌ای خود، احمد داود اوغلو، خواستار خویشتنداری و حفظ آرامش دو کشور در این رابطه شد. صالحی ابراز امیدواری کرد که با درایت و گفت و گو، این مسئله مورد ارزیابی قرار گیرد و با حل و فصل مسالمت‌آمیز آن، آرامش و ثبات منطقه حفظ شود (روزنامه همشهری، ۹۱/۴/۵).

رامین مهمان‌پرست، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز طی مصاحبه با خبرگزاری IHA ترکیه در تهران، اعلام کرد: ترکیه و سوریه باید خویشتنداری کنند و با اعتدال عمل نمایند. طرفین باید خونسردی خود را حفظ نمایند؛ مواضع ایران درباره مسائل بین سوریه و ترکیه روشن است. ایران هم با ترکیه و هم با سوریه روابط دارد. با توجه به شرایط منطقه، از ترکیه و سوریه می‌خواهیم به جای اعمال خشونت، مسائل خود را از طریق مذاکره حل کنند. همه ما باید برای تأمین و حفظ امنیت، منابع بی‌ثباتی و تهدیدها را رفع کنیم. بروز عدم ثبات در یک نقطه از منطقه، همه منطقه را بی‌ثبات خواهد کرد (WWW.IHA.COM.TR).

افزایش سطح هیجان‌ها در منطقه و درگیری میان ترکیه و سوریه ناشی از سرنگونی هواپیمای ترکیه توسط سوریه، میزان تعقل و سلامت رفتار دیپلماتیک ترکیه و سوریه در آن

مقطع را کاهش می‌داد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با درک شرایط و به لحاظ احساس مسئولیت در قبال همسایگان، در جهت مصالحه میان دو طرف برخاست و طی مذاکره با مقامات ترکیه، آنان را از رفتارهای شتابزده بر حذر داشت. این نمونه‌ای از تعامل میان ایران و ترکیه در بحران سوریه است که امید به تعاملات بیشتر برای حل بحران سوریه و تنش در روابط ترکیه و سوریه را افزایش می‌داد.

۳- بحث آزادی گروگان‌های ایرانی

در شروع بحران سوریه، ما شاهد تعاملات و همکاری‌هایی برای پیدا کردن راه‌حلی به منظور خروج از بحران هستیم. بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای (همانند ترکیه)، مایل به تزلزل یکپارچگی سوریه نبودند. حتی به نظر می‌رسید رژیم غاصب صهیونیستی هم خواهان ادامه بحران نبود؛ چراکه سوریه برای این رژیم، دشمن بی‌آزاری بود و از سال ۱۹۷۳ تاکنون، سوریه هیچ‌گونه تعرضی به رژیم غاصب صهیونیستی نکرده بود و این رژیم نمی‌توانست وضعیت را به امید شانس برای دولت بعدی سوریه بیازماید. همچنین ترس از اخوان المسلمین با سابقه مذهبی، مورد خواست این رژیم نبود. هرچه زمان پیش رفت، شاهد روشن شدن مواضع کشورها و رویارویی دو کشور ایران و ترکیه بودیم. به ویژه در کنفرانس دوستان سوریه که بدون حضور ایران در استانبول برگزار شد، ترک‌ها حق را به خود دادند که از معارضان سوری حمایت کنند. اما در ماجرای گروگان‌های ایرانی (تعداد ۸ مهندس شرکت مینا) که توسط معارضان سوری ربوده شده بودند، ترک‌ها از نفوذ خود استفاده کردند و نسبت به آزادی تعدادی از گروگان‌ها اقدام کردند. این از معدود موارد تعامل بین ایران و ترکیه بود (مصاحبه با دکتر محمدجواد حق شناس، ۹۱/۴/۱۲).

در سال ۲۰۱۱ و اوایل بحران سوریه، دو تن از کارشناسان ترک نزدیک به حزب عدالت و توسعه، پیشنهاد کردند که ترکیه و ایران، نشستی مشترک برای حل مسئله سوریه تشکیل دهند و اجازه داده نشود که وهابیت به سوریه نفوذ کند؛ ولی در آن مقطع، این پیشنهاد، مورد توجه ایران قرار نگرفت (مصاحبه با آقای قائم مقامی، ۹۱/۴/۲۶).

همان گونه که شرح داده شد، میزان تعامل میان دو همسایه بزرگ، ایران و ترکیه در بحران سوریه، اندک و بیشتر جنبی و در مسائل حاشیه‌ای بحران سوریه بوده است که بعضاً مورد بی‌توجهی طرفین واقع شده است.

۴- نشست چهارجانبه ایران، ترکیه، مصر و عربستان در قاهره در مورد بحران سوریه
مسئولان ارشد وزارتخانه‌های خارجه مصر، ترکیه، عربستان و ایران در قاهره با هدف بررسی بحران سوریه در میان تردید آمریکا نسبت به نتیجه‌بخش بودن این نشست دور هم جمع شدند.

سخنگوی وزارت خارجه مصر اعلام کرد، این نشست در راستای اجرای طرحی است که محمد مرسی رئیس جمهور مصر اعلام کرده و هدف از آن کمک به مأموریت اخضر ابراهیمی فرستاده مشترک سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب به سوریه است. به نقل از خبرنگار الجزیره، هیأت مصری در راستای تحقق توافق در زمینه چند مسئله اصلی که مهمترین آن توقف فوری خشونت‌ها و کشتار مردم، حفظ وحدت سوریه و تمامیت ارضی آن، مخالفت با دخالت نظامی در این کشور، لزوم از سرگیری روند سیاسی با مشارکت گروه‌های مختلف سوری با هدف دستیابی به یک نظام سیاسی دموکراتیک و چند حزبی است تلاش خواهد کرد. (Tabnak. 91/6/24)

تقابل میان ایران و ترکیه در بحران سوریه

تقابل میان ایران و ترکیه در بحران سوریه، آنقدر وسیع است که تعامل میان این دو کشور، کمتر دیده می‌شود. در واقع تعامل میان آنها همان‌طور که در بخش قبل بدان موارد اشاره شد، در مسایل جنبی و شاید بتوان گفت مسائل غیرسوریه‌ای و در راستای تداوم مسائل و روابط همسایگی متأثر از بحران سوریه بوده است.

اما مهم‌ترین عوامل تقابل میان ایران و ترکیه را باید در تفاوت نگاه ترکیه و ایران به بحران سوریه قلمداد کرد. تفاوت دیدگاه‌هاست که تقابل وسیعی میان آنها ایجاد کرده است. اکنون به شرح موارد این تقابل می‌پردازیم:

۱- دیدگاه‌های متفاوت ایران و ترکیه در مورد محور مقاومت

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از فلسطین به یکی از اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. به نظر می‌رسد پشتیبانی از مردم فلسطین برای دست یافتن به حقوق حقه خودشان، با آرمان محوری انقلاب اسلامی ایران مبنی بر نفی کامل استعمار و استکبار و در کل، زورگویی بین‌المللی مرتبط است. به طور کلی، جمهوری اسلامی ایران، حمایت‌های سیاسی اقتصادی خود را از فلسطین دریغ نکرده و همواره مخالفت آشکار خود را با موجودیت رژیم اشغالگر قدس، در مجامع رسمی و غیررسمی بیان کرده است. درباره مبارزه جمهوری اسلامی ایران با رژیم غاصب صهیونیستی در خاورمیانه، علاوه بر انگیزه‌های انسان‌دوستانه کشورمان در حمایت از مردم فلسطین، باید به منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران هم اشاره کرد. رژیم غاصب صهیونیستی در واقع نماینده و حافظ منافع آمریکا و غرب در خاورمیانه است که همواره سیاست‌های تخصیصی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه به نمایش گذاشته است؛ بنابراین نتیجه منطقی رفتار خصمانه این رژیم علیه جمهوری اسلامی ایران، حمایت کشورمان از فلسطین و آرمان‌های آن است (روزنامه اطلاعات، ۹۱/۵/۳).

جمهوری اسلامی ایران، رژیم غاصب صهیونیستی را نامشروع می‌داند و هرگز این رژیم اشغالگر را شناسایی نکرده است. قرار گرفتن ایران در محور مقاومت ضدصهیونیستی به همراه کشورهای سوریه، لبنان (حزب الله) و حماس در فلسطین، در تضاد با سیاست‌های منطقه‌ای غرب و ایالات متحده آمریکا است. در مقابل، با وجود حمایت‌های اخیر ترکیه از آرمان فلسطین، به علت اتحادهای راهبردی این کشور با غرب، آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی و همسو شدن با سیاست‌های آنها در منطقه، موجبات تقابل دیدگاه میان ترکیه و ایران فراهم شده است. نظام حکومتی ترکیه، از سال ۱۹۲۳ تاکنون، نظامی در کنار غرب بوده و در معادلات جهانی، همواره در کنار مجامع غربی، ایفای نقش نموده است. برای نمونه، بیش از شصت سال است که از عضویت این کشور در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌گذرد و طبق پیمان‌نامه‌های موجود، ترکیه موظف است در چهارچوب

منافع این سازمان عمل کند. ترکیه، متحد راهبردی آمریکا و عضو ناتو است و نمی‌تواند خارج از سیاست‌های آنها در منطقه عمل کند. ترکیه همچنین به عنوان اولین کشور، در سال ۱۹۴۹ رژیم غاصب صهیونیستی را با انتصاب نماینده تام‌الاختیار و در سال ۱۹۵۲، با مبادله سفیر، به رسمیت شناخت (نقدی نژاد، ۱۳۸۸: ۶۰).

باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص روابط ترکیه و رژیم غاصب صهیونیستی چنین می‌گوید: ترکیه و اسرائیل، دو متحد بسیار مهم در منطقه هستند. بنابراین بهبود و توسعه روابط ترکیه و اسرائیل و رفع تنش بین آنها، از اهمیت زیادی برخوردار است. به ویژه بهبود روابط ترکیه و اسرائیل باعث خواهد شد که روند (بهار عربی) سریع‌تر به ثبات و آرامش لازم دست یابد. وی همچنین در خصوص مسئله سوریه و همگرایی آمریکا و ترکیه در این باره چنین می‌گوید: «آمریکا و ترکیه درباره مسئله سوریه، دارای دیدگاه‌های مشترک و منطبق بر همدیگر هستند. مقامات ترکیه و آمریکا مدام در حال تبادل نظر درباره سوریه هستند و آمریکا در صحنه بین‌المللی، به اقدامات خود درباره سوریه ادامه می‌دهد و با ترکیه به صورت متحد فعالیت خواهد کرد» (روزنامه ینی شفق، ۲۰۱۲/۵/۲۴).

عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه نیز در خصوص بهبود روابط کشورش با رژیم غاصب صهیونیستی چنین می‌گوید: «ترکیه خط مشی خود درباره بهبود روابط ترکیه و اسرائیل را اعلام کرده است. اسرائیل باید اقدامات لازم در خصوص ترکیه را انجام دهد. در آن صورت، ترکیه نیز متناسب با آن عمل خواهد کرد. ما از اوباما درخواست کردیم که از اسرائیل بخواهد که روابط خود را با ترکیه اصلاح و بهبود بخشد. تا موقعی که مطالبات ترکیه را بپذیرد، روابط با اسرائیل بهبود می‌یابد. اکنون تأسیس حکومت جدید و قدرتمندتر، اقدامی خوب است؛ زیرا دیگر نمی‌توانند مدعی شوند که به علت اختلاف نظر و موقعیت ضعیف در داخل اسرائیل، نمی‌توانند تصمیم قاطع اتخاذ کنند و به درخواست ترکیه پاسخ مثبت دهند. ترکیه ترجیح می‌دهد که حکومت‌های قدرتمندتری در اسرائیل حاکم شو» (همان، ۲۰۱۲/۵/۲۴).

۲- تقویت روابط ترکیه با غرب و مخالفت ایران با غرب

غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا، ادعای مدیریت انقلاب‌های عربی را دارند و موج سواری و کانالیزه کردن آنها را برنامه ریزی میکند و به طور عمده در تلاش هستند که این راهبرد و سیاست خود را از طریق ترکیه و ارائه الگوی حکومتی این کشور پیش ببرند؛ اگرچه این امر به طور کامل تحقق نیافته است. رئیس جمهور ترکیه در شورای روابط بین‌الملل شیکاگو در خصوص اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه و لزوم همگرایی این کشور با آمریکا در اعمال سیاست‌های مشترک چنین گفته است: «ترکیه برای توسعه و تقویت الگوی مشارکتی اعلام‌شده از سوی ترکیه و آمریکا، اهمیت بسیار زیادی قائل است. ترکیه، دومین قدرت بزرگ ناتو است. اعتبار و نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک ترکیه سریعاً در حال افزایش است. در همه مناطق جهان، ترکیه به گرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد. ترکیه می‌تواند مسئولیت‌های مهم‌تری نظیر دبیر کلی ناتو را نیز بر عهده بگیرد». وی همچنین می‌افزاید: «ترکیه ارزش افزوده‌ای بر اهداف مشترک جامعه جهانی دارد. ترکیه عضو صادق ناتو است و مصمم است که با تمام توان در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها و اقدامات ناتو شرکت کند؛ چنانچه ترکیه بر اساس سیاست راهبردی ناتو در اجلاس سران لیسبون که موضوع تأسیس سپر دفاع موشکی مطرح بود، میزبانی رادار سپر دفاع موشکی ناتو را پذیرفت. همکاری راهبردی گسترده و عمیق ترکیه با آمریکا و اتحادیه اروپا، توان و قابلیت‌های خاصی را به ترکیه داده است. تعداد زیادی از سیاست‌های اجرایی ترکیه و آمریکا، منطبق بر همدیگر است. همکاری قدرتمند ترکیه و آمریکا، به میزان زیادی، باعث حل مسائل دشوار و پیچیده منطقه و بین‌الملل شده و تأثیر گسترده دیپلماتیک در بر داشته است. ترکیه و آمریکا درباره خاورمیانه، افغانستان، آسیای مرکزی، بالکان و قفقاز همکاری و هماهنگی دارند. هر دو کشور مصمم هستند که امکانات و توان روزافزون خود را برای منتفع کردن هرچه بیشتر جامعه جهانی به کار گیرند. دو کشور هرگز از بر عهده گرفتن مسئولیت‌های جدید خودداری نخواهند کرد. امیدواریم که هم‌زمان با بر عهده گرفتن

ریاست دوره‌ای گروه بیست، به عضویت شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ نیز انتخاب شویم» (www.turkishny.com).

سناتور جان مک کین نیز طی سخنرانی در انستیتو «میدل ایست» واشنگتن در خصوص همگرایی ترکیه و آمریکا در تحولات منطقه چنین گفته است: «ترکیه و آمریکا از قابلیت و قدرت به‌کارگیری دیدگاه و اهداف مشترک در منطقه مهم خاورمیانه برخوردار هستند؛ به ویژه در قبال مسئله سوریه، این قابلیت‌ها در حال آزمایش است. آمریکا باید رهبری نجات مردم سوریه را به عهده بگیرد و علاوه بر آن، آمریکا آماده است که در لحظه حساس و مورد نیاز، به عنوان متحد، از ترکیه حمایت کند. بحران و اختلاف در سوریه، به تهدید راهبردی علیه ترکیه تبدیل شده است». وی ضمن اشاره به قیام‌های عربی می‌افزاید: «ترکیه منبع الهام و الگوی بسیار خوبی برای مردم خاورمیانه است؛ زیرا مدرنیسم، اسلام و لائسیسم و نظام بازار آزاد اقتصادی را تلفیق کرده است. ترکیه به صورت بی‌سابقه‌ای در ساماندهی و مدیریت منطقه، تأثیر چشم‌گیری دارد و به عنوان یک قدرت مهم و الگو، مسئولیت بزرگتری به عهده گرفته است. اگر در منطقه بزرگ خاورمیانه، به جای جنگ، صلح، به جای فقر، رفاه و به جای دیکتاتوری، آزادی برقرار شود، تحقق این امر مدیون همکاری ترکیه و آمریکا در منطقه خواهد بود. آمریکا و ترکیه دارای ارزش‌های مشترک هستند و ترکیه دارای نقش مؤثر و فعال برای تأمین و حفظ منافع ملی آمریکاست». مک کین در خصوص مسئله سوریه و نقش ترکیه در آن نیز می‌گوید: «مخالفان رژیم سوریه، رهبری منسجمی ندارند. برای سازماندهی و وحدت بین گروه‌های مخالف سوری، از ترکیه انتظار می‌رود که در مناطق مرزی ترکیه و سوریه، منطقه امن و حائل ایجاد کند. آمریکا نباید به تنهایی در سوریه وارد عمل شود؛ بلکه باید تحت رهبری آمریکا، متحدان و دوستان سوریه، برای حمایت از مخالفان سوریه یک نیروی ائتلاف داوطلب تشکیل دهند» (www.turkishny.com).

بدین ترتیب سیاست غرب و آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی به عنوان جبهه ضد محور مقاومت، در تغییر و سرنوشتی رژیم حاکم سوریه و حمایت ترکیه از آن و همسوئی این

کشور با جبهه غرب، منجر به تقابل و در نتیجه، جبهه بندی جدید و تضعیف همکاری‌ها بین ایران و ترکیه در چهارچوب صلح و امنیت منطقه‌ای و دور شدن این دو کشور از هم می‌شود. نمونه این تضعیف همکاری‌ها و دور شدن از هم را در تصمیم ایران، برای انتخاب محل مذاکرات ایران با ۵+۱ دیدیم. تمایل ایران به برگزاری نشست مذاکرات با کشورهای مذکور در کشوری غیر از ترکیه، علامت ناخرسندی ایران از دیدگاه و رفتار ترکیه در بحران سوریه بود. بدین ترتیب، بحث تردید در انتخاب محل مذاکرات هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران، در واقع نوعی هشدار به ترکیه با این معنا بود که اگر ایران از میزبانی ترکیه برای مذاکرات هسته‌ای استقبال می‌کند، به واسطه اعتمادی است که میان دو کشور ایجاد شده و استقلال عملی است که در سیاست خارجی ترکیه درک شده است و چنانچه آن سیاست مستقل با موضع‌گیری‌ها و سخنانی مانند آنچه اردوغان در مورد ایران بیان کرد (اردوغان از تصمیم ایران مبنی بر عدم قبول استانبول به عنوان محل مذاکرات ۹۱/۱/۲۶ ایران و کشورهای ۵+۱ به شدت عصبانی شد و ایران را به بی‌صدافتی و تلف کردن وقت برای خرید زمان در مذاکرات هسته‌ای متهم کرد) یا اقداماتی چون برگزاری کنفرانس دوستان سوریه (در ۲۰ مارس ۲۰۱۲- استانبول) زیر سوال رود، طبیعتاً ایران دلیلی نمی‌بیند که به ترکیه در عرصه‌های مهم و حساسی چون پرونده هسته‌ای، جایگاه دهد (مصاحبه با دکتر محمدجواد حق شناس، ۹۱/۴/۱۲).

۳- حمایت ایران از بشار اسد و مخالفت ترکیه با او

تهران و آنکارا در مورد بحران سوریه به علت دیدگاه‌های متفاوت که در بند یک شرح داده شد، اهداف و در نتیجه رفتار متضادی با هم دارند. ترکیه با تأسیس و سازماندهی گروه‌های مخالف نظام حاکم سوریه (مانند شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه) رسماً به دنبال ساقط کردن بشار اسد و همکاری با آمریکا و عربستان برای حمایت از مخالفان نظام سوریه است. در حالی که ایران، سرنگونی بشار اسد و نظام سوریه را خواست غرب و رژیم غاصب صهیونیستی می‌داند و معتقد است که به دلیل حمایت سوریه، از جریان مقاومت، باید با برنامه آمریکا و عربستان در منطقه خاورمیانه و به ویژه در مورد سوریه

مخالفت کرد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۹ در ملاقات با بشار اسد، ایران و سوریه را عمق راهبردی یکدیگر نامیدند و تاکید فرمودند که روابط ۲۸ ساله ایران و سوریه، از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه است (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۲۸).

ترکیه هم اکنون به پایگاهی پشتتاز برای مخالفان بشار اسد تبدیل شده است و آمریکا و عربستان با توجه به همسایگی ترکیه با سوریه، می‌خواهند از ظرفیت این کشور برای ایجاد تحولات مورد نظر خویش در سوریه و کنار زدن بشار اسد استفاده کنند. در حالی که ایران به دنبال کمک به بشار اسد برای انجام اصلاحات و باقی ماندن در قدرت است. آمریکا، سوریه را متحد ایران در مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی می‌داند و سرنگونی بشار اسد را در راستای تضعیف جمهوری اسلامی ایران در حمایت از حزب الله و حماس ارزیابی می‌کند و سوریه بدون بشار اسد را برای اهداف خود در مسائل مربوط به فلسطین و رژیم غاصب صهیونیستی ضروری می‌داند. مهم‌ترین مسئله برای آمریکا که اولویت اول و ویژه این کشور نیز هست، امنیت رژیم غاصب صهیونیستی است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۱/۱/۲۷).

حمایت ایران از محور مقاومت و یکی از حلقه‌های این محور که کشور سوریه به رهبری بشار اسد است، باعث تفاوت دیدگاه‌های ایران و ترکیه در بحران سوریه شده است و همین مسئله با قرار گرفتن ترکیه در جبهه غرب، تقابل ایران و ترکیه را فراهم آورده است. باید افزود که حمایت ایران از شخص بشار اسد و جانبداری دولت ترکیه از مخالفان وی، یکی دیگر از محورهای اصلی تقابل دو کشور است. بی‌تردید جبهه حمایت‌کننده از مخالفان اسد که طیف وسیعی از کشورها و قدرتها از جمله دول غربی و به ویژه آمریکا را در بر می‌گیرد، در افزایش تنش میان ایران و ترکیه بی‌تأثیر نیستند. حمایت قاطعانه جمهوری اسلامی ایران از خاندان اسد (به علت علوی بودن این خاندان و حمایت حافظ اسد از ایران در زمان جنگ تحمیلی و تقویت محور ضد صهیونیستی)، به تقابل ایران و ترکیه منجر شده است (مصاحبه با آقای داود وفائی، ۹۱/۴/۳۰).

۴- میزان تاثیر بحران سوریه بر ایران و ترکیه

نگاه ایران به بحران سوریه به علت دوری از کشور سوریه و نداشتن مرز مشترک با آن، نگاه راهبردی و بلند مدت است. اما نگاه ترکیه به بحران سوریه، یک نگاه کاملاً تاکتیکی است. ترکیه دارای حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه است. قرابت جغرافیایی و قرار داشتن ترکیه در کانون بحران سوریه به علت هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید شدن خطوط مرزی این کشور با سوریه به علت حجم آتش رد و بدل شده میان مخالفان و ارتش سوریه، باعث نگاه خصمانه ترکیه به سوریه شده است. همچنین تحولات در سوریه به طور مستقیم، منافع و امنیت ملی ترکیه را مورد هدف قرار می‌دهد. تحریک مخالفان ترکیه (مانند کردها) توسط سوریه، چالش فراوان در امنیت این کشور را فراهم می‌سازد. اردوغان در ۲۶ ژوئای ۲۰۱۲، مدعی شد که بشار اسد ۵ استان سوریه را به کردهای مخالف ترکیه سپرده تا علیه ترکیه وارد عمل شوند (روزنامه همشهری، ۹۱/۵/۷) و از طرفی، تلاش چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا را به باد می‌دهد. چرا که بحران در مرزهای ترکیه، به منزله بحران در مرزهای اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که قبلاً با اغماض و خوش‌بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می‌کرد، حالا ورود ترکیه را منوط به برقراری آرامش در مرزهای خود خواهد کرد. ایران فاقد این گونه مشکلات است؛ بنابراین با آسودگی خاطر بیشتری نسبت به ترکیه، به بحران سوریه می‌نگرد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه، موجب تقابل میان آنها گردیده است (مصاحبه با آقای غلامرضا عسکری، ۹۱/۴/۲۴). از طرف دیگر سوریه برای ایران سرریل مقاومت محسوب می‌شود. سوریه راه دسترسی ایران برای کمک به لبنان و فلسطین است تا محور مقاومت را علیه توسعه طلبی رژیم صهیونیستی غاصب تقویت کند و تا حدی از فشار غرب بر ایران بکاهد. عدم درک این تفاوت‌ها و به عبارت دیگر، عدم نگاه واقع‌بینانه به مسئله اثرگذاری بحران سوریه، باعث تقابل میان ترکیه و ایران شده است؛ بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ مواضع دیپلماتیک سران دو کشور موثر خواهد شد.

۵- رقابت برای تثبیت الگوهای سیاسی

الگوی اسلام میانه‌رو یا سکولار ترکیه، قابلیت پذیرش بیشتری در جهان عرب دارد؛ اما خلاف این دیدگاه، میزان نقش و اهمیت ترکیه و ایران در تحولات جهان عرب، هنوز کاملاً مشخص نیست و بیشتر بستگی به سیاست‌های آینده دو کشور در منطقه به ویژه در جریان بحران سوریه و خواست مردم جهان عرب دارد. تجربه نشان داده است که جهان عرب در برابر پذیرش الگوی «برادر بزرگ‌تر» همچون الگوی اسلام‌گرا یا سکولار ترکیه مقاومت خواهد کرد. قشرهای مختلف سیاسی ترکیه به ویژه سکولارها هم با حضور جدی ترکیه در تحولات جهان عرب مخالفند و آن را فراتر از ظرفیت‌های واقعی سیاسی-ایدئولوژیک و اقتصادی این کشور می‌دانند. همچنین الگوی ترکیه ممکن است مورد قبول بعضی از قشرهای جوامع عربی باشد؛ اما با چالش‌های جدی از سوی جریان‌های ایدئولوژیک منطقه مواجه است. حتی حاکمیت اخوان المسلمین در تونس که خواست ترکیه بود، پس از مدتی و با اصرار رهبران ترکیه بر لائسیته در این کشور، از ترکیه روی برگردان شد. جمهوری اسلامی ایران، پس از سرنگونی رژیم پهلوی، تلاش کرده است الگوی اسلامی برای کشورهای منطقه ارائه دهد و با طرح‌هایی که از خارج منطقه خاورمیانه (اغلب توسط آمریکا و کشورهای عربی) برای منطقه ارائه می‌شود، مخالفت کند. در سال‌های اخیر و پس از انقلاب‌های عربی، ایران در کنار مفهوم «بهار عربی» که بر جنبه ضداستبدادی قیام‌های مردمی جهان عرب تأکید دارد، بر مفهوم «بیداری اسلامی» و جنبه آگاهی‌بخش ملت‌ها نیز متمرکز شده است. اخیراً چندین کنفرانس مهم در تبیین همین مطلب با مشارکت روشنفکران و رهبران جریان‌های مهم جهان اسلام در تهران برگزار شد (آرمان، ۹۰/۹/۹) که آخرین مورد آن، کنفرانس نقش زنان جهان اسلام در بیداری اسلامی کشورهای منطقه در تیرماه ۱۳۹۱ در تهران و کنفرانس مقاومت اسلامی در شهریور امسال در اصفهان بود.

در مسئله سوریه و به طور کلی انقلاب‌های عربی، ترکیه احساس کرد که کل کشورهای منطقه نیازمند ارائه یک الگوی سیاسی برای حکومت‌های آینده هستند و آن الگو می‌تواند الگوی سکولار ترکیه و اسلام میانه‌رو این کشور باشد. از همین رو، یک بار دیگر بعد از دو

دهه، ترکیه در شکل رقیب جمهوری اسلامی ایران وارد صحنه تحولات منطقه‌ای شد. اینجاست که تقابل میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه آشکار می‌گردد. تردیدی نیست که این تقابل و رقابت ناشی از خلاء های راهبردی است که گه‌گاه در صحنه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی به وجود می‌آید. در مقطع بعد از فروپاشی شوروی، ایران و ترکیه رقابت گسترده‌ای را در آسیای مرکزی و قفقاز برای استقرار الگوی حکومتی و سیاسی خود در کشورهای آن منطقه آغاز کردند که به تقابل میان دو کشور انجامید. به علل متعدد از جمله اکثریت ملیت ترک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، نفوذ آمریکا در منطقه و توان اقتصادی بالای ترکیه، پذیرش الگوی سیاسی ترکیه در آن منطقه با استقبال بیشتری مواجه شد و یارگیری بازیگران به نفع ترکیه انجام گردید. اکنون هم بعد از دو دهه، با توجه به خلاء ایجاد شده در کشورهای شمال آفریقا و عربی که از دیدگاه آنکارا، تداوم خواهد داشت، این کشور احساس می‌کند که باید در عرصه تحولات منطقه‌ای به طور جدی وارد شود و ایفای نقش کند و راهکار، ارائه الگو برای کشورهای در حال تحول است. در این روند، ایده نو عثمانی‌گری مسلط بر افکار رهبران حزب عدالت و توسعه ترکیه، راه را برای ارائه الگوی سیاسی ترکیه باز کرد. تداعی عظمت امپراتوری عثمانی و بازآفرینی سلطه ترکیه بر کشورهای سابق تحت مالکیت امپراتوری همچون سوریه و شامات، خواست رهبران مغرور و بلندپرواز ترکیه است. در نگاه راهبردی، با غالب شدن الگوی ترکیه بر حکومت آینده سوریه و رهبران آن، عمق راهبردی این کشور افزوده می‌شود و همچنین سوریه مطیع‌تری نسبت به سوریه بشار اسد، برای ترکیه ایفای نقش خواهد کرد. بی‌گمان خواست ترکیه برای حکومت آینده سوریه، اخوان‌المسلمین است؛ اما معلوم نیست در صورت جلوس به قدرت توسط اخوانی‌ها در سوریه، آیا الگوی ترکیه را در این کشور اجرا خواهند کرد یا نه. ایران نیز علاوه بر حفظ متحد راهبردی خود در سوریه، نیم‌نگاهی به کشورهای متحول‌شده عربی منطقه دارد. همچنان که گفته شد، ابراز مسئله الگوی انقلاب اسلامی در قالب بیداری اسلامی برای انقلاب‌های منطقه، در همین راستا پیش می‌رود (مصاحبه با آقای آل بوغبیش، ۹۱/۴/۱۰).

۶- تلاش برای توازن قوای جدید پس از انقلاب‌های عربی

مداخله قدرت‌های بزرگ، زمینه لازم برای افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم آورده است. در شرایط بی‌ثباتی منطقه‌ای، هر بازیگر تلاش دارد تا قدرت خود را در منطقه تثبیت کند. در برهه انقلاب‌های عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا، ترکیه به‌تحرک زیادی دست زد تا موازنه قدرت را به نفع خود تمام کند. نمایش قدرت و کسب اعتبار، از ابزارهای ترکیه برای نیل به این هدف بود. حمایت ترکیه از مردم سوریه و مخالفت با سرکوب تظاهرکنندگان و جذب گروه‌های ناراضی و مخالف دولت سوریه را می‌توان در زمره عواملی دانست که اعتبار ترکیه را نزد افکار عمومی کشورهای خاورمیانه ارتقا می‌داد و نقش سیاسی ترکیه به‌گونه تدریجی در تغییر موازنه قدرت خاورمیانه افزایش می‌یافت. موضوعاتی همانند تحرک دیپلماتیک، مشارکت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی، افزایش تولید ناخالص داخلی، ارتقای درآمد سرانه و افزایش گروه‌های سیاسی اجتماعی در ترکیه، موقعیت آن کشور در خاورمیانه را ارتقاء داده است. موارد فوق، این احساس را نزد رهبران ترکیه ایجاد کرده است که این کشور از قابلیت لازم برای تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه برخوردار است. پس از وقوع انقلاب‌های منطقه، کشور ترکیه با احساس خلاء قدرت در خاورمیانه و با اتکا به رشد اقتصادی خوب چندساله اخیر، به این باور رسیده است که می‌تواند جایگاه استثنایی برای رهبران این کشور در منطقه فراهم آورد. دولتمردان ترکیه بر این باورند که ترکیه با ویژگی بارز یک دولت و حاکمیت سکولار و مردمی مسلمان، الگویی مناسب و واقعی برای آینده دنیای عرب است و لازم است پیشرفت‌ها و توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این کشور برای جوامع متلاطم عربی که در پی تغییر روش حکومتداری قبلی هستند، به تشریح بیان شود. عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه در خصوص موقعیت ترکیه اظهار داشته است: «هیچ کشوری در منطقه به اندازه ترکیه، پیشرفته و مدرن نیست و امروز این کشور، منبع الهام‌بخشی شده است» (رویدادها و تحلیل‌ها، آذر ۹۰).

در شرایط جدید که از خلاء قدرت پدیدآمده بعد از انقلاب‌های عربی در منطقه پیش آمده است، دو کشور ایران و ترکیه در تلاش برای رسیدن به یک توازن قوای جدید بودند که اتفاقاً مورد علاقه غرب نیز هست. تقابل اصلی ایران با ترکیه در بحران سوریه، بر حفظ منافع ژئوپلیتیک ایران استوار است. جمهوری اسلامی ایران از سه دهه پیش که انقلاب اسلامی در آن رخ داد، به دنبال ایفای نقش موثر در تحولات خاورمیانه بوده است تا بتواند به عنوان قدرتی منطقه‌ای در خاورمیانه ایفای نقش کند. سیاست منطقه‌ای ایران، متمرکز بر تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها با گروه‌ها و دولت‌های دوست در منطقه است. خروج ترکیه از موضع سنتی حزب عدالت و توسعه، یعنی تمرکز بر نقش میانجی‌گرانه یا به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ موضع جانبدارانه در بحران سوریه، درست در مقابل سیاست منطقه‌ای ایران یعنی حفظ توازن قوای فعلی است. از یک نگاه واقع‌گرایانه، آینده آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران از لحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت جریان «مقاومت» و «هلال شیعی» شامل ایران، عراق، سوریه و لبنان بسیار مهم است. حتی مواضع روسیه هم از این لحاظ به سیاست ایران نزدیک است. برای روس‌ها ایفای نقش فعال در بحران سوریه، فرصتی برای تقویت نقش منطقه‌ای و رقابت با حریف غربی در استقرار سپر دفاع موشکی در ترکیه بوده است. سقوط نظام حاکم سوریه به هر طریقی، علاوه بر از دست دادن متحد راهبردی و پاره شدن هلال شیعی، توازن قوای فعلی ایران را به هم خواهد زد و معادلات، به نفع ترکیه رقم می‌خورد؛ بنابراین ایران در کنار تقویت جایگاه و حکومت سوریه به منظور جلوگیری از این اتفاق ناخوشایند، برای برقراری روابط صمیمانه با کشورهای انقلاب‌کرده، درصدد دست‌یابی به نفوذ معنوی با هدف کسب اقتدار در منطقه است (مصاحبه با آقای غلامرضا عسکری، ۹۱/۴/۲۴).

نتیجه گیری

این تحقیق در پاسخ به سؤال نقش بحران سوریه در تعامل و تقابل ایران و ترکیه چیست؟ این فرضیه را مطرح کرد که بحران سوریه براساس عوامل داخلی مانند رکود سیاسی اقتصادی و عوامل خارجی مانند تأثیر جنبش‌های جهان عرب ایجاد شد و براساس جغرافیای جدید منطقه و تئوری مدلسکی (تبدیل جنگ‌های داخلی به جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و تئوری بازیها شرایط بروز تعامل کمتر و شرایط تقابل بیشتر در روابط ایران و ترکیه را فراهم کرده است.

در ماه‌های ابتدای این بحران و برای حل مسالمت‌آمیز مسئله اعتراضات در سوریه، ایران و ترکیه از باب همسایگی و خیرخواهی وارد شدند و هر دو کشور با گفتگوی دیپلماتیک، خواهان رسیدن به یک راه حل برای پرونرفت از بحران پیش آمده در منطقه بودند. قبول طرح کوفی عنان از طرف ایران و ترکیه و حمایت از این طرح برای پایان خشونت‌ها در سوریه، امید به تعامل بیشتر میان این دو کشور تأثیرگذار در منطقه را افزایش می‌داد؛ اما با گسترش بحران و خروج مسئله از مرزهای همسایگی و بین‌المللی شدن موضوع، نه تنها کارایی طرح عنان، علناً زیر سؤال می‌رفت؛ بلکه با افزایش سطح هیجان‌ها در سوریه و هم‌گرایی بیش از پیش ترکیه با جبهه غربی - عربی ضد سوریه، تعامل میان ایران و ترکیه نیز کمتر شد.

در برخی مقاطع از بحران، وقایعی پیش آمد که کورسویی از تعامل در روابط ایران و ترکیه را آشکار می‌کرد که البته مسائلی جنبی بودند؛ همانند قضیه گروگان‌های ایرانی در بند معارضان سوری که بهانه‌ای برای تعامل و گفتگوهای ایران و ترکیه را فراهم کرد و با تقاضای ایران، ترکیه با نفوذی که بر معارضان پیکارجو در سوریه داشت، توانست زمینه آزادی آنان را فراهم آورد. همچنین در قضیه سقوط هواپیمای جنگنده RF - 4E ترکیه، مقامات ایرانی با تمسک به عقلانیت، خیرخواهی و احساس مسئولیت در قبال تحولات منطقه و خلاف احساسی‌گرایی ترک‌ها، به سمت گفتگو و تعامل پیش رفتند و طی مذاکرات تلفنی با مقامات ترکیه، آنان را دعوت به آرامش و خویشتنداری نمودند تا منطقه

شاهد بحرانی مضاعف نگردد. این موارد اندک، جنبی و بعضاً غیرسوریه‌ای، تعاملی است که در برهه ۲۰ ماه از بحران سوریه، میان ایران و ترکیه وجود داشته است. همان‌طور که معلوم است، سطح تعامل میان دو کشور در این مقطع، آنقدر پایین هست که بر هیچ ناظری پوشیده نمی‌ماند که تقابل در دیدگاه‌ها و رفتارها بیش از آن باشد.

مهم‌ترین موارد تقابل میان ترکیه و ایران، ناشی از دیدگاه‌های متفاوت دو کشور نسبت به بحران سوریه است. ایران به علت مواضع مخالف با غرب و ضد صهیونیستی و قرار گرفتن در محور مقاومت و به عنوان قطعه مهمی از هلال شیعی، حیات حکومت فعلی سوریه را حیات محور مقاومت و هلال شیعی می‌داند و سقوط آن را به منزله پاره شدن هلال و شکست در محور مقاومت محسوب می‌کند؛ بنابراین به حمایت از بشار اسد و رژیم سوریه می‌پردازد و خواهان ثبات در کشور و حاکمیت سوریه است و با دخالت خارجی مخالفت می‌کند... اما ترکیه نگاه ایدئولوژیک به کشور سوریه ندارد؛ بلکه به علت قرار گرفتن در جبهه غرب و عضویت در ناتو و داشتن روابط و پیمان‌های نظامی - اطلاعاتی با رژیم غاصب صهیونیستی، همسو با آنان حرکت می‌کند و خواهان سقوط نظام سوریه و تغییر حکومت است.

پیشنهادها

با توجه به تقابل وسیع میان ایران و ترکیه در بحران سوریه، این تقابل‌ها عمیق نیستند و دستگاه دیپلماسی خارجی کشورمان باید از عمق یافتن آنها جلوگیری نماید. تقابل آراء و تفاوت دیدگاه‌ها در روابط کشور همسایه در عرصه دیپلماسی طبیعی است؛ چرا که هر کشور بر اساس منافع و مصالح خود، به بازی در عرصه بین‌المللی می‌پردازد. ایران و ترکیه، بیش از ۴۰۰ سال در صلح و آرامش در کنار هم زندگی کرده و مراوده نموده‌اند؛ به گونه‌ای که مرزهای این دو کشور به مرزهای صلح و برادری معروف شده است و در این مدت هیچ جنگ و نزاعی میان دو کشور روی نداده است؛ بلکه نزدیکی، برادری و مراودات سیاسی، اقتصادی و تجاری و علاقات مشترک جایگزین آن شده است و متحد طبیعی در منطقه محسوب می‌شوند.

در دنیایی که طالبانی‌گری و سلفی‌گرایی را نماد اسلام می‌نمایاند، پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، فرصتی برای اثبات سازگاری اسلام و تجدد در دنیای مدرن بود که ایران اسلامی نیز با غنیمت شمردن این فرصت، به استقبال از آن پرداخته است.

در سال‌های اخیر نیز، حجم بالای تجاری میان ایران و ترکیه و پرونده هسته‌ای ایران، باز هم دو کشور را به یکدیگر نزدیک ساخته و زمینه‌های تعامل را بیش از پیش فراهم آورده است.

ایران و ترکیه دو کشور همسایه هستند که حیات، استمرار و هدفمندی روابطشان، برای هر دو کشور حائز اهمیت است. ضرورت‌های فراوان برای تداوم همکاری ایران و ترکیه، بیش از تمایل به تنش و ناخرسندی است. با این نگاه، کلیه سوءتفاهم‌های ناشی از تقابل‌ها و تفاوت‌ها، قابل حل و فصل است. طبیعی است که اختلاف دیدگاه اخیر میان ایران و ترکیه، تنش زودگذر و مقطعی است؛ بنابراین باید از عمق یافتن آن جلوگیری نمود و به فکر اصلاح روابط بود.

۱- روابط ایران و ترکیه فراز و نشیب زیادی داشته است؛ اما قدر مسلم این است که پیش از بحران سوریه در حد مطلوب و خوشایندی بود و سیر صعودی داشت. در موضوع سوریه، ترک‌ها به هواداری از مخالفان اسد پرداختند و ایران حمایت از اسد را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد. روابط اقتصادی ایران و ترکیه با وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و با وجود اختلاف نظر جدی درباره آینده سوریه، همچنان جریان دارد؛ اما در ابعاد سیاسی، تیرگی ملموسی مشاهده می‌شود و فعلاً از همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور چندان خبری نیست. نباید فراموش کرد که اهمیت ترکیه در روابط بین‌الملل و دیپلماسی ایران، اگر بیشتر از رابطه با سوریه نباشد، مطمئناً کمتر از آن نیست.

۲- به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی ایران اگر در جهت حل بحران سوریه، از ابتدا ابتکار عمل را به صورت دقیق و حساب‌شده در دست بگیرد، می‌تواند ضمن همراه ساختن آنکارا با خود، بازدهی بیشتری را کسب کند. ایران در کنار ترکیه، با دو رویه‌ای که در سیاست‌های خود دارد، یعنی نگاهی به غرب و نگاهی به جهان اسلام، می‌توانست نقش

بیشتر و مؤثرتری در تحولات خاورمیانه داشته باشد. عرصه سیاست، عرصه برخوردهای احساسی یا همه و هیچ نیست. اشکالی وجود ندارد اگر ایران بطر فعال برای میانجیگری بین دولت سوریه و مخالفان برنامه ریزی نماید. ایران باید بر اساس منافع ملی خود حرکت کند و با دوراندیشی و نگاه به آینده، زمینه را برای تعامل با دولت آینده سوریه بر اساس انتخابات و اصلاحات مردم سالارانه در نظر گرفت.

۳- ایران، امروز داعیه دار انقلابی مردمی و اسلامی است و حمایت از حرکت‌های مردمی در جهان را همواره وظیفه خود می‌دانسته است. رهبران حزب عدالت و توسعه نیز که سکان هدایت نظام سیاسی ترکیه را به عهده دارند، در موارد فراوانی از این نظریه دفاع کرده‌اند. ترکیه و ایران در منطقه خاورمیانه از چنان وزنی برخوردارند که گاه شائبه رقابتشان می‌رود. در هر صورت با توجه به نفوذی که ترک‌ها در بین مخالفان نظام سیاسی سوریه دارند و نقش تأثیرگذار و حمایتی ایران از بشار اسد، به نظر می‌رسد در صورت تحرک بیشتر در دستگاه دیپلماسی کشورمان، ایجاد نوعی میانجی‌گری و همکاری موثر با ترکیه برای فرونشاندن شعله‌های بحران سوریه وجود داشت و همچنان وجود دارد. ترکیه می‌تواند از نفوذ خود بر مخالفان، در کاهش بحران استفاده نماید. ایران هم می‌تواند از نقش خود در مجاب کردن رژیم اسد به انجام اصلاحات عمیق استفاده نماید. با این سیاست، زمینه‌های لازم برای رسیدن به یک توافق پایدار در مورد آرایش سیاسی حکومت آینده سوریه و خواست واقعی مردم فراهم می‌شود.

۴- سفر آقای رجب طیب اردوغان در نوروز ۱۳۹۱ به ایران و دیدار با مقامات عالی رتبه کشورمان نشان داد که این دو کشور در هر شرایطی می‌توانند با یکدیگر تعامل و گفتگو نمایند. تقابل در دیدگاه‌ها میان دو همسایه بزرگ، بعضاً وجود داشته است؛ اما هیچ کدام از آنها هرگز به بحران در روابط نینجامیده است؛ بنابراین همیشه باید باب گفت و گو را باز گذارد و سفرهای دیپلماتیک سران دو کشور، مهم‌ترین ابزار برای نیل به اهداف است. هدف در برهه کنونی، رسیدن به تعاملی کارساز میان ایران و ترکیه برای حل بحران سوریه است. مذاکره و تبادل نظر میان سران دو مملکت باعث رفع سوء تفاهم‌ها و گذر از تقابل‌ها

خواهد شد. باید مد نظر داشت که حفظ روابط صمیمانه میان ایران و ترکیه، بزرگ‌ترین دستاورد محسوب می‌شود. پس از آن است که باید در جهت صلح میان ترکیه و سوریه قدم برداشت. بی‌گمان مصالحه میان این دو کشور، به حل بحران سوریه کمک شایانی خواهد کرد. تنش در روابط دو کشور، آرزوی کشورهای خارجی و دشمنان دو ملت است. اما ایران و ترکیه که به چشم‌اندازی رو به جلو و عالی در روابط با هم می‌نگرند، باید به هدایت صحیح و مدیریت بحران بپردازند.

۵- مقامات ترکیه باید بدانند آنچه مرجعیت ترکیه را برای گروه‌های اسلام‌گرا در تونس، مصر، لیبی و دیگر کشورهای رسته از استبداد در خاورمیانه تقویت می‌کند، غرب‌گرایی نیست. رهبران ترک باید بدانند که تضعیف سوریه و کشورهای مستقلی همچون ایران، در نهایت به ضرر ترکیه خواهد بود. آمریکا در میان کشورهای پیرامون رژیم غاصب صهیونیستی، دوست نمی‌خواهد؛ بلکه نوکر می‌خواهد. بهترین رفتار برای دولتمردان ترکیه در قبال سوریه، جلوگیری از هرگونه دخالت قدرت‌های غربی چه در عرصه عمل و چه در عرصه نظری است. منزلت ترکیه، در داشتن همسایگان مستقل و قدرتمند است. سقوط سوریه، در جهت تقویت رژیم غاصب صهیونیستی خواهد بود و تقویت این رژیم در بلندمدت، تهدیدی راهبردی برای مرزهای ترکیه خواهد بود.

مقام معظم رهبری در دیدار رؤسای جمهور و مسئولان کشورهای جنبش عدم تعهد و دبیرکل سازمان ملل راهبردهایی مطرح کردند مقصر اصلی بحران، آمریکا و رژیم صهیونیستی که با هدف ضربه زدن به مقاومت در منطقه، گروه‌های مخالف دولت سوریه را به جنگی نیابتی از طرف خودشان با دولت سوریه وادار کرده‌اند. استمرار ارسال سلاح به داخل سوریه و حمایت مالی از گروه‌های بی‌مسئولیت، عامل ایجاد بحران می‌باشد که تبعاً نتیجه آن وجه‌المصالحه و قربانی شدن مردم سوریه است. شرط طبیعی حل بحران، جلوگیری از ارسال سلاح به سوریه است. دولت‌هایی که جنگ نیابتی را در سوریه به راه انداخته‌اند و القای جنگ شیعه و سنی می‌کنند عامل شکست طرح کوفی عنان بدانند. رهبر انقلاب اسلامی درباره پیشنهاد برای برون‌رفت از بحران بیان فرمودند: جنبش غیرمتعهدها با

ورود سیاسی خود، ابتکار عمل را به دست گیرد و به وضعیت کنونی پایان دهد زیرا این جنبش قطعاً بیش از آمریکا و ناتو و برخی کشورهای اروپایی، حق ورود به مسائل سوریه را دارد. سیاست اصولی ایران، مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در مسأله سوریه است و دولت سوریه نباید بهانه به دست مخالفان و بهانه‌جویان بدهد، اصلاحات سیاسی را ادامه دهد و واقعیت و پشت‌پرده توطئه برای افکار عمومی ملت‌های عرب را تشریح و افشاء کند و آقای پشار اسد با مردم سوریه و ملت‌های عرب گفتگو نماید. همکاری و اتحاد کشورهای مستقل و اسلامی، عامل جلوگیری از تکرار بحران مشابه می‌باشد.

منابع

- ۱- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۸۸). کتاب سبز ترکیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۲- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۸۷). کتاب سبز سوریه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۳- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۳). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: قومس.
- ۴- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۸). روابط ایران و ترکیه؛ حوزه‌های همکاری و رقابت، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۵- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۸). سیاست بین‌الملل، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۶- امید، علی (۱۳۸۶-۸۷). چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه‌ای، مطالعه موردی ایران و سوریه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴ و ۱، زمستان ۸۶ و بهار ۸۷.
- ۷- واعظی، محمود، روابط ترکیه و سوریه: از تعارض تا تعامل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۸- آقایی، داود (۱۳۹۰). «دوری از مدار صفر درجه»، همشهری دیپلماتیک، آبان ۹۰، شماره ۵۰.
- ۹- قائم مقامی، سید علی (۱۳۹۰). «بحران در تنش صفر»، همشهری دیپلماتیک، اسفند ۹۰، شماره ۵۴.
- ۱۰- علائی، حسین (۱۳۹۰). «ایران و ترکیه؛ واگرایی یا همگرایی»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۱/۱/۲۷.
- ۱۱- ساجدی، سید محی‌الدین (۱۳۹۰). «کار دشوار سوریه»، روزنامه اطلاعات، ۹۰/۸/۳۰.
- ۱۲- برزگر، کیهان (۱۳۹۰). «نقش ایران و ترکیه در حل بحران سوریه»، روزنامه آرمان، ۹۰/۹/۹.

- ۱۳- امینی، محمودرضا (۱۳۹۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۱/۵/۳.
- ۱۴- متقی، ابراهیم. شکل بندی هندسه ژئوپلیتیک جدید. www.tabnak.ir ۹۱/۶/۱۴.
- ۱۵- ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره‌های ۵۰، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱.
- ۱۶- ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۶۲، آذر ۹۰.
- ۱۷- ماهنامه دیده بان امنیت ملی، پیش شماره ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت و تیرماه ۹۱.
- ۱۸- مصاحبه با دکتر محمدجواد حق شناس (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تحلیل‌گر مسائل سیاسی و بین‌الملل) ۹۱/۴/۱۲.
- ۱۹- مصاحبه با آقای عبدالله آل بوغبیش (دبیر سرویس بین‌الملل روزنامه همشهری) ۹۱/۴/۴.
- ۲۰- مصاحبه با آقای غلامرضا عسکری (دبیر سرویس بین‌الملل روزنامه اطلاعات) ۹۱/۴/۲۴.
- ۲۱- مصاحبه با آقای داوود وفائی (کارشناس مسائل بالکان و ترکیه) ۹۱/۴/۳۰.
- ۲۲- مصاحبه با آقای سیدعلی قائم مقامی (کارشناس مسائل ترکیه) ۹۱/۴/۲۶.
- ۲۳- بررسی تقابل‌ها امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در دهه اخیر (۱۳۸۸). پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۴- ریشه‌ها و چشم انداز اعتراضات در سوریه (۱۳۹۰). پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۵- بررسی جایگاه سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶).
- ب) منابع انگلیسی

26- Modelski, George (1964), "The International Relations of Internal war." In James Rosenau (ed); **International Aspect of Civil Strike**, Princeton: Princeton University Press.

27- Rosenau, N. James (1980), **Pretheories and Theories of Foreign Policy in the Scientific Study of Foreign Policy**, PP 69- 115.

28-[HTTP://WWW.ORSAM.COM.TR](http://WWW.ORSAM.COM.TR)

29-[HTTP://WWW.TURKISHNY.COM](http://WWW.TURKISHNY.COM)